

در آستانه استعفا
استارمر رفتنی شد؟محرم به روایت اسناد و تصاویر
دو نمایشگاه ویژه محرم در کتابخانه ملیقدرت‌نمایی ژاپن
گزارش جام جهانی ۲۰۲۶پایان «پرو»!
توقف اینترنت پرو با حکم سازمان بازرسی

پشت درهای بسته

تیم‌های مذاکره‌کننده ایران و آمریکا به ریاست محمدباقر قالیباف و جی‌دی ونس اولین نشست رسمی خود را پس از امضای سند تفاهم دو کشور، با حفظ محرمانگی برگزار کردند



۳

یادداشت روز

آزادی بیان مداحان!

توهین و تهدید علیه رئیس‌جمهور با آزادی بیان و حق نقد تفاوت دارد



صالح نقره‌کار

حقوقدان

آزادی بیان و اندیشه، معیاری بنیادین در سپهر حقوق اساسی است؛ اما همین آزادی، هرگاه چهره خشونت به خود بگیرد و به جای گفت‌وگو، بستر نفرت‌پرانی را فراهم کند، می‌تواند زمینه‌ساز آسیب به همبستگی اجتماعی و کاهش ارزش‌های گفت‌وگو در جامعه شود. امروز ایران، پس از جنگ و با ملاحظه حقوق بنیادین و احترام به حقوق شهروندان، باید مسیری توسعه‌خواه، صلح‌طلب و عزتمند را دنبال کند. خون‌های پاک شهیدان سرفراز ایران که در راه دفاع از وطن نثار شد، برای همه ما مسئولیتی اجتماعی و شهروندی ایجاد می‌کند تا برای فردایی بهتر تلاش کنیم. همه مسئولان، نخبگان و دبستان‌ها این سرزمین باید با نگاهی ملی‌گرایانه و عزت‌طلبانه، در مسیر ساختن آینده‌ای بهتر برای ایران گام بردارند. نظام حقوقی نیز با رویکرد توسعه‌گرا و حقوق‌محور باید زمینه‌هایی را فراهم کند که بهبود عملکردها، امنیت اقتصادی، کیفیت زندگی شهری و حقوق شهروندی بیش از پیش محقق شود. آزادی بیان، تجمعات و گفت‌وگو در میان اقشار مختلف جامعه، یک مزیت و ارزش مهم تلقی می‌شود. در روزهای اخیر نیز مشاهده کردیم که حضور شهروندان با چهره‌ها، پوشش‌ها و گوی‌های متنوع تا چه اندازه می‌تواند قدرت و انسجام ملی را به نمایش بگذارد. با این حال، اخیراً در یکی از تجمع‌های ارزشمند کشور، یکی از سخنرانان اقدام به توهین به رئیس‌جمهور کرد؛ اقدامی که از جهات مختلف قابل تأمل و تأسفار بود. این نوع رفتارهای ناروا موجب شد بخش قابل‌توجهی از تمرکز رسانه‌های داخلی و خارجی بر این موضوع قرار گیرد. چنین رویکردی نباید باعث شود ظرفیت ارزشمند حضور مردم در عرصه عمومی و خیابان، به نفع تک‌سلیقگی‌ها و تنگ‌نظری‌ها مصادره شود. ما باید با همه توان، خیابان را فضایی باز و در دسترس برای همه جریان‌های وفادار به ایران بدانیم؛ فضایی که در آن تکرر شهروندان محترم شنیده شود و مورد حمایت قرار گیرد. در عین حال، تهدید به قتل، نشر اکاذیب، توهین و بی‌احترامی نسبت به رئیس‌جمهور، واجد جنبه عمومی و خصوصی است و می‌تواند موجب اختلال در امنیت روانی و اجتماعی جامعه شود. از این رو انتظار می‌رود دادستان محترم به‌عنوان مدعی‌العموم و در چارچوب وظایف قانونی خود، مطابق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، نسبت به این موضوع ورود کند. نباید اجازه داد افرادی با بی‌توجهی به میراث ایرانی، اسلامی و آیینی این سرزمین، به‌ویژه در روزهای که بیش از هر زمان دیگری نیازمند توجه به ارزش‌ها، وطن‌دوستی و وحدت ملی هستیم، زمینه برهم زدن انسجام اجتماعی را فراهم کنند. تهدید رئیس‌جمهور یا بیان مطالبی که به نفرت‌پرانی در عرصه عمومی منجر می‌شود، می‌تواند شرایط را به سود دشمنان ایران رقم بزند. جامعه ایرانی نیز همواره نشان داده که ضمن پذیرش تکرر و تفاوت‌ها، بر حفظ احترام متقابل و کرامت انسانی تأکید دارد و این ارزش‌ها را به‌عنوان آرمانی مهم در سپهر تمدنی ایرانی-اسلامی پاس می‌دارد. سیاست‌گیری ایران نیز به‌گونه‌ای طراحی شده که توهین به رئیس‌جمهور به‌طور مشخص قابلیت تعقیب قانونی داشته باشد. از این منظر انتظار می‌رود حمایت لازم از حیثیت و جایگاه ریاست‌جمهوری به‌عنوان یکی از ارکان مهم نظام سیاسی کشور صورت گیرد. البته در کنار این موضوع، حق اعتراض، نقد و بیان دیدگاه‌های متفاوت نیز باید به رسمیت شناخته شود و در چارچوب قانون مورد حمایت قرار گیرد؛ چرا که نقد و اعتراض قانونی، بخشی جدایی‌ناپذیر از حیات اجتماعی و سیاسی هر جامعه است.

چه کسی اسناد سری را به نبویان داد؟

سید محمود نبویان، نماینده تندروی مجلس برای برهم زدن تفاهم و توافق میان ایران و آمریکا بخش‌هایی از مکاتبات سری رهبری با شورای عالی امنیت ملی را در برنامه زنده شبکه خبر افشا کرد سازندگی به این موضوع پرداخته است که این اسناد به‌کلی سری چگونه به بیرون درز پیدا کرده است؟



عاطفه شمس

گروه سیاسی

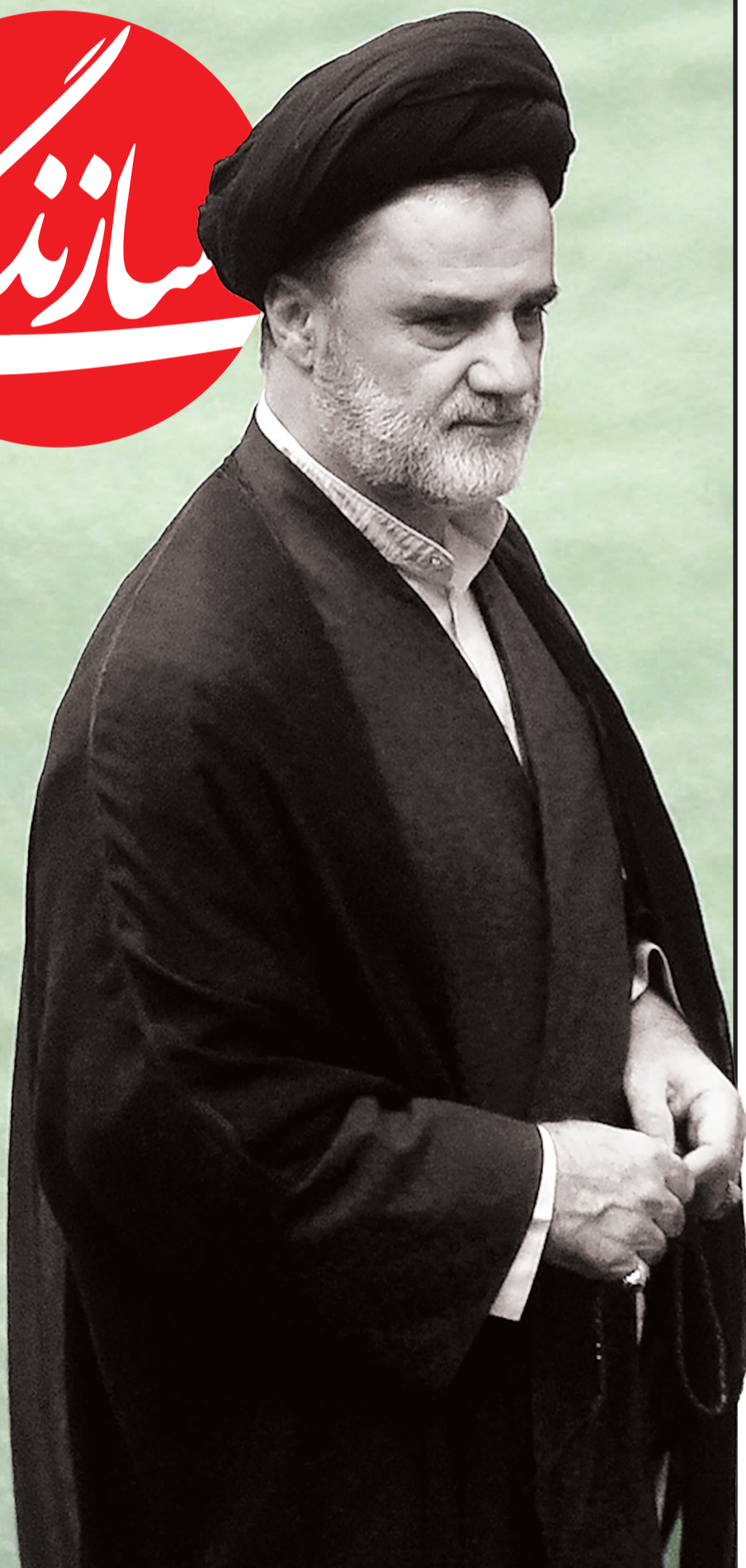
در ساختار اداری و امنیتی کشورها، اسناد «به‌کلی سری» بالاترین سطح طبقه‌بندی را دارند؛ اسنادی که افشای غیرمجاز آنها می‌تواند به منافع حیاتی کشور، امنیت ملی و فرآیندهای تصمیم‌گیری در سطوح عالی حاکمیت آسیب جدی وارد کند. به همین دلیل دسترسی به چنین اسنادی محدود، حفاظت از آنها سختگیرانه و انتشارشان بدون مجوز در بسیاری از نظام‌های حقوقی با مجازات‌های سنگین همراه است. حالا تصور کنید بخشی از همین اسناد نه در یک افشاکاری مخفیانه یا درز اطلاعاتی بلکه روی آنتن تلویزیون ملی مطرح شود؛ اتفاقی که طی روزهای گذشته با اظهارات سید محمود نبویان نماینده مجلس در شبکه خبر رخ داد و خیلی زود به واکنش صداوسیما، استعفا یک مدیر و هشدارهای حقوقی و موجی از انتقادهای سیاسی از طیف‌های مختلف منجر شد. این ماجرا واکنش رئیس‌جمهور را هم به دنبال داشت. پزشکیان بدون اشاره مستقیم به نام نبویان از لزوم حمایت از مسیر مذاکرات سخن گفت و هشدار داد که صداوسیما باید مراقب باشد و اجازه ندهد که تلاش‌های در حال انجام کشور با طرح مطالب یا حضور در تریبون‌ها خدشه‌دار شود.

اما فارغ از واکنش‌ها و صرف‌نظر از صحت و سقم ادعاهای مطرح شده از سوی این نماینده مجلس، نکته اساسی و پرسش محوری در این میان که همچنان بی‌پاسخ مانده، این است که اگر این اسناد در زمره اطلاعات طبقه‌بندی شده و متعلق به نهادهای امنیتی و تصمیم‌ساز کشور قرار دارند اساساً چگونه با توسط چه کسانی از نهادهای امنیتی و از چرخه‌های رسمی و حفاظت شده به بیرون درز کرده‌اند و روی آنتن زنده رسانه ملی آمده‌اند؟

نبویان روی آنتن زنده چه گفت؟

نبویان در این گفت‌وگو با فاش کردن بخش‌هایی «ناقص و مخدوش» از محتوای نامه‌های محرمانه مقام رهبری به تیم مذاکره‌کننده، تلاش کرد توضیح دهد چرا رهبر انقلاب با متن تفاهم میان ایران و آمریکا موافق نبوده‌اند و برای اثبات ادعای خود به بخشی از مکاتبات و نامه‌های به‌کلی سری منتسب به رهبری استناد کرد. این نماینده مجلس در ادامه مدعی شد که پس از آغاز مذاکرات در پاکستان و ارائه گزارش به مقام معظم رهبری، ایشان در حاشیه گزارش تیم مذاکره‌کننده «صریحاً عدم رضایت خود را اعلام کرده‌اند» و نوشته‌اند: «آنچه در مذاکرات رقم خورده است با آنچه قرار بود، انجام شود و شرط مشروعیت مذاکرات بوده، تفاوت کلی دارد». نبویان با بیان اینکه رهبری در چند نوبت بر عدم ورود به موضوع هسته‌ای تأکید کرده‌اند، اظهار کرد: «در تاریخ‌های ۱۵ فروردین، ۲۹ فروردین و ۴ اردیبهشت سه بار تصریح شده که موضوع هسته‌ای نباید محور مذاکره باشد و مذاکرات باید بر پایان جنگ و اخذ غرامت متمرکز شود». او ادامه داد: «مقام معظم رهبری در یکی از این مکاتبات نوشته‌اند: «برای مذاکره و تعاون عجله داریم، نه اجبار» و در مقطعی نیز تأکید کرده‌اند که «مذاکرات باید متوقف شود».

ادامه در صفحه ۲



سیاست

ادامه تیتربیک

ژنوزیر آتش تندروها

درباره انتقاد برخی چهره‌های اصولگرا به سفر هیئت ایرانی به سوئیس



گروه سیاسی: سفر هیئت ایرانی به سوئیس، پیش از آن که در میز مذاکره به نتیجه‌ای برسد، در فضای سیاسی داخل کشور طبق روال همیشگی به میدان منازعه تبدیل شد. موج انتقادهای و حملات تند برخی چهره‌های اصولگرا به این سفر، از طرح پرسش‌های پنهان‌آمیز درباره «اجازه خروج» گرفته تا متهم‌سازی دستگاه دیپلماسی به شتاب‌زدگی، نشان داد که نزاع اصلی نه در ژنو، بلکه در تهران جریان دارد؛ جایی که حتی تصمیم‌های رسمی و ساختاری نهادهای بالادستی هم از دایره مناقشات جناحی بیرون نمانده‌اند.

در همین چارچوب، به‌جای آن‌که این سفر دیپلماتیک در سکوت و چارچوب‌های معمول سیاست خارجی بررسی شود، به موضوعی برای تسویه‌حساب‌های سیاسی تبدیل شد؛ تسویه‌حسابی که این‌بار اصل مفهوم «مذاکره» را هدف گرفته است. در این میان، اظهاراتی از جنس پرسش «بسه اجازه چه کسی رفتید ژنو؟» که از سوی میثم نیلی، برادر داماد شهید ریسی در فضای مجازی مطرح شده، نشان می‌دهد بخشی از این جریان حتی تصمیمات رسمی اتخاذشده در ساختارهای کلان، از جمله نهادهایی مانند شورای عالی امنیت ملی را هم محل تردید و مناقشه قرار می‌دهد. این در حالی است که از منظر حقوقی و ساختاری، سیاست خارجی و پرونده‌های مذاکره‌ای کلان اساساً در سطح تصمیم‌سازی نهادهای عالی نظام تعریف می‌شوند و نه بر مبنای برداشتهای یا سلیقه‌های جناحی.

چهره‌هایی مانند محمدباقر قالیباف نیز به عنوان رئیس تیم مذاکره کننده در مرکز این جدلهای رسانه‌ای قرار گرفته‌اند؛ جایی که سفر به نقش آفرینی او در فرآیندهای مرتبط با دیپلماسی غیرمستقیم، از سوی برخی نمایندگان مجلس به عنوان «دیپلماسی التماسی» یا عدول از «اصول اعلامی» توصیف شده است. علی اصغر نخعی‌راد در توییتی نوشت: «توی این شرایط که جنوب لبنان تحت حمله شدید است و بند اول تفاهم نامه میان روسای جمهور ایران و آمریکا به رسوایی نقض شده، سفر به سوئیس برای انجام مذاکره با هر بهانه دیگر نشان از چیست؟ با این روش می‌خواهید به شروط دوگانه برسید؟ ادبیاتی که عملاً فضای گفت‌وگو درباره منافع ملی را به عرصه تخاصم سیاسی داخلی منتقل می‌کند.

میثم ظهوریان هم با استناد به بندهای یک تفاهم‌نامه و با طرح مفاهیمی مثل «عدم اجباری بندهای توافق» یا «شتاب‌زدگی وزارت خارجه در آغاز مذاکرات»، تلاش کرد این سفر را از منظر حقوقی زیر سؤال ببرد. ظهوریان در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «طبق ماده ۱۳ تفاهم‌نامه شروع مذاکرات منوط به «شروع اجرای بندهای ۱، ۴، ۵، ۱۰ و ۱۱ این یادداشت تفاهم و تداوم اجرای این اقدامات» شده‌است. در حالیکه بندهای ۱ و ۱۰ مطلقاً اجرا نشده‌است، شهوت وزارت خارجه برای شروع مذاکرات عجیب است».

نقد اصلی در اینجا تبدیل فرآیند پیچیده دیپلماسی به گزاره‌های تقلیل‌یافته و رسانه‌ای است؛ رویکردی که امکان فهم دقیق منطقی مذاکره را از افکار عمومی می‌گیرد. در مقابل این رویکرد اما برخی چهره‌های مذهبی و سیاسی موضعی متفاوت اتخاذ کرده و با نقد مستقیم ادبیات تندروها، بسر اولویت «پرهیز از جنگ» و ضرورت عقلانیت در سیاست خارجی تأکید می‌کنند. این طیف استدلال می‌کند که مخالفت‌های شدید با مذاکره، در عمل می‌تواند کشور را از ابزارهای دیپلماتیک محروم کرده و هزینه‌های امنیتی و اقتصادی را افزایش دهد. نکته مهم در این میان، صرفاً اختلاف نظر بر سر یک سفر یا یک دیدار دیپلماتیک نیست، بلکه شکل‌گیری یک دوگانه‌سازی خطرناک است؛ دوگانه‌ای میان «مذاکره» و «مقاومت». این در حالی است که در ادبیات روابط بین‌الملل، مذاکره نه در تقابل با مقاومت، بلکه می‌تواند یکی از اشکال هوشمندانه آن برای تأمین منافع ملی باشد. با این حال، در بخشی از گفتمان تندرو، این دو مفهوم به‌گونه‌ای بازنمایی می‌شوند که گویی در دو سوی کاملاً متضاد قرار دارند. عبور از این وضعیت هم مستلزم بازتعریف مرز میان نقد سیاسی و تخطئه نهادی است؛ مرزی که در صورت مخدوش شدن، به جای تقویت سیاست خارجی، آن را درگیر منازعات بیپه‌ده داخلی خواهد کرد.

چه کسی اسناد سری را به نبویان داد؟

نخستین مخالف جدی، بنیامین تانیاها و جریان‌های همسو با او هستند که تمایلی به شکل‌گیری آرامش و ثبات در منطقه ندارند. از نگاه پزشک‌یکان، ادامه تنش و درگیری به سود این جریان‌هاست. او همچنین از سلطنت‌طلبان به‌عنوان گروه دیگری نام برد که به اعتقاد وی از موفقیت مذاکرات و بهبود شرایط کشور استقبال نمی‌کنند. رئیس‌جمهور تأکید کرد هر جریان یا فردی که بسا ایجاد تنش و اختلاف، روند گفت‌وگوها را تخریب کند عملاً در همان مسیری حرکت می‌کند که مخالفان خارجی مذاکرات دنبال می‌کنند.

موج انتقادهای علیه نبویان

بعد از بازتاب اظهارات نبویان، موجی از واکنش‌ها از سوی طیف‌های مختلف سیاسی نیز شکل گرفت و از نمایندگان مجلس گرفته تا اعضای تیم رسانه‌ای مذاکرات، فعالان سیاسی و حتی برخی رسانه‌های اصولگرا به این موضوع واکنش نشان دادند. مجتبی زارعی، نماینده مجلس، نبویان را به طرح موضعی در جهت برهم زدن نظم سیاسی و «نظام اداره کشور مبتنی بر ولایت فقیه» متهم کرد و تأکید کرد که در برابر آنچه «دیکتاتوری فردی» خواند، خواهد ایستاد. او این اظهارات را «افشاکاری‌های ناقص و جهت‌دار» دانست که به گفته او می‌تواند به ساختارهای رسمی کشور و نظم مدنی و تمدنی مبتنی بر رهبری نظام آسیب بزند. زارعی همچنین تصریح کرد که این مواضع در راستای پوشش ادعای «مستعمره شدن ایران» از سوی نبویان مطرح شده است و در پایان اعلام کرد به زودی برای توییر افکار عمومی توضیحات و مستندات بیشتری ارائه خواهد کرد.

سعید آجرلو، عضو کمیته رسانه‌ای مذاکرات هم نبویان را متهم کرد که مطالب قدیمی را به شکل تحریف شده و ناقص روایت کرده است تا از پاسخگویی درباره ادعاهای قبلی خود فرار کند. امیرحسین یزدان‌پناه، دیگر عضو تیم رسانه‌ای مذاکرات نیز ادعای نبویان درباره تنگه هرمز را رد کرد و گفت در متن تفاهم، ترتیبی برای دریافت هزینه و اعمال نظارت ایران بر عبور و مرور در منطقه پیش‌بینی شده است. عبدالله رمضان‌زاده، سخنگوی دولت اصلاحات نیز در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «این صداوسیما، کار دست کشور می‌دهد! گفته باشم که به یادگار بماند!» حسن سلیمانی، سردبیر رسانه مشرق هم در شبکه اجتماعی ایکس مدعی شد که در صورت اثبات انتشار اسناد «به کلی سری»، طبق قانون، مجازات چنین اقدامی می‌تواند تا ۱۰ سال حبس باشد. سلیمانی، خطاب به نبویان نوشت: «چرا نمی‌گویید این بریده‌های گزینش شده شما از حدود ۲۰۰ چند مکاتبه بوده و از قضا از اولین مکاتبه‌ها؟ شما که اسناد سری و به کلی سری نظام را افشا و منتشر کردید، لااقل درست و دقیق فاش می‌کردید». روزنامه اصولگرای خراسان هم با طرح این پرسش که آیا خروجی این روزهای صداوسیما به نفع وحدت جامعه است یا به اختلاف‌افکنی دامن می‌زند نسبت به آثار چنین برنامه‌هایی هشدار داد.

در ادامه حواشی، گرچه مصاحبه نبویان از آرشیو تلویزیون هم حذف شد، با این حال همچنان چند ابهام اصلی در این ماجرا باقی مانده است؛ از جمله اینکه اگر اسناد مورد اشاره واقعاً محرمانه بوده چگونه در اختیار یک نماینده مجلس قرار گرفته است؛ اگر افشای آنها جرم محسوب می‌شود، مسئولیت حقوقی این اقدام متوجه چه کسی است؛ و چرا درحالی که مدیر مرتبط با برنامه استعفا داده هنوز برخورد مشخصی با فردی که این اطلاعات را روی آنتن مطرح کرده، صورت نگرفته است.

پذیرش استعفای مدیرکل مربوطه و اعمال برخوردهای انضباطی به دلیل سهل‌انگاری در مدیریت برنامه زنده خبر داد. به این ترتیب نخستین هزینه رسمی این ماجرا را حسن روزی‌طلب، مدیرکل برنامه‌های سیاسی صداوسیما پرداخت که از سمت خود کناره‌گیری کرد. روزی‌طلب ساعتی پس از استعفا در صفحه شخصی خود، متنی با مضمون یک حدیث از امام حسین(ع) منتشر کرد؛ پیامی که بسیاری آن را کنایه‌ای مستقیم به رفتار نبویان تلقی کردند. او نوشت: «کسی که بخواهد از راه گناه به مقصدی برسد، دیرتر به آرزویش می‌رسد و زودتر به آنچه می‌ترسد، گرفتار می‌شود».

نبویان اما بعد از بالا گرفتن انتقادهای، سکوت نکرد و با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس توضیح داد که در حال تشریح علت مخالفت رهبری با تفاهم ایران و آمریکا بوده که برنامه متوقف شده است. به گفته او، بخش مهمی از توضیحاتش درباره متن تفاهم‌نامه و دلایل مخالفت رهبری هنوز بیان نشده بود و اگر برنامه ادامه پیدا



می‌کرد، ابعاد بیشتری از موضوع روشن می‌شد. این توضیح البته از حجم انتقادها کم نکرد؛ چراکه اصل موضوع برای منتقدان نه محتوای سخنان او بلکه افشای اسناد محرمانه و نحوه دسترسی‌اش به این اسناد و روایت گزینشی آنها بود.

پزشک‌یکان: صداوسیما مراقب باشد

در همین چارچوب، رئیس‌جمهور روز گذشته در «اسی‌وسومین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی» به این ماجرا واکنش نشان داد و بدون نام بردن مستقیم از نبویان بر ضرورت حفظ انسجام و پرهیز از ایجاد مانع در مسیر مذاکرات تأکید کرد. پزشک‌یکان هشدار داد: «صداوسیما باید مراقب باشد که تلاش‌های در حال انجام بسا طرح مطالب یا حضور در تریبون‌ها خدشه‌دار شود». رئیس‌جمهور در بخش دیگری از سخنانش تصریح کرد: «می‌توانم به برخی سخنان پاسخ دهم یا مطالبی را علیه افراد مطرح کنم اما وحدت برای من مهم‌تر است». او همچنین گفت: «اگر قرار باشد بر اساس نیت‌ها و سخنان گروهی در کشور شقاق ایجاد کنیم، دیگر نیازی به اسرائیل و آمریکا نخواهد بود و با از دست دادن وحدت، خودمان کشور را نابود خواهیم کرد». پزشک‌یکان افزود: «افرادی که هر مطلبی را بیان می‌کنند، بدانند که با چنین اقداماتی، آب به آسیاب دشمن می‌ریزند» و در دفاع از روند مذاکرات تأکید کرد: «مقام معظم رهبری به دولت اختیار داده‌اند تا مسیر مذاکرات را دنبال کنند». رئیس‌جمهور ادامه داد: «تمام مفساد تفاهم‌نامه امضا شده بین ایران و آمریکا به نفع ماست و دستاوردهای این گفت‌وگو و مذاکره عیان خواهد شد» و ابراز امیدواری کرد که گروه مذاکره‌کننده با قدرت گفت‌وگوها را ادامه دهد. او گفت: «آنچه نوشته شده، دستاورد یک کار جمعی است. در شورای عالی امنیت ملی تقریباً همه اعضا متفق بودند که این اتفاق باید رخ دهد و تنها یک نفر نظر متفاوت داشت که وجود یک نظر مخالف در یک مجموعه نیز ایرادی ندارد».

رئیس‌جمهور همچنین درباره مخالفان مذاکرات گفت که

آگهی فقدان سند مالکیت المثنی پلاک ثبتی ۴۶۵۷/۵۰ واقع در بخش ۶ تهران

۲۷۹ تهران به عیسی قربان پور کشاورز واگذار نموده است. سپس شش‌دانگ بموجب سند قطعی شماره ۷۲۰۵۱ و ۷۲۰۷۶ مورخ ۴۶۱۰/۵۰۱ دفتر ۴۱ تهران به لطیف الهی انتقال داده شده است. النهایه شش‌دانگ برابر سند قطعی شماره ۳۰۲۲۱ مورخ ۵۲/۱/۲۴ دفترخانه ۲۰۰ تهران به بانک رفاه کارگران انتقال یافته است. محدودیت: ندارد. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور سند مالکیت المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده و یا مدعی وجود آن نزد خود می‌باشد باید ظرف ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و چنانچه ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت اسناد و املاک، المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. نشانی اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک: تهران، خیابان شیخ هادی، نرسیده به خیابان جمهوری اسلامی، نبش کوچه رجب بیگی، پلاک ۳۶۶، اداره ثبت اسناد و املاک مولوی تهران.

رئیس حوزه ثبت ملک مولوی تهران - الیاس صهبا

۱۱۹۶۲ م الف

شناسه آگهی ۲۲۶-۲۲۱

آقای فیروز غفوری به نمایندگی از طرف بانک رفاه کارگران بموجب نامه شماره ۶۰/۱۴۰۵/۱۵۹۹۱۲ مورخ ۲/۱۶/۱۴۰۵، با اعلام مفقود شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی یا تسلیم استشهدادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره ۲۲۷ دفترخانه ۱۷۵۱ تهران طی درخواست وارده شماره ۳۱۱۷ مورخ ۲۰/۲/۱۴۰۵/۱۴۰۵ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت ملک مذکور را نموده که مراتب در اجرای آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می‌گردد:

۱- نام و نام خانوادگی: بانک رفاه کارگران
۲- شماره پلاک ثبتی: ۵۰ فرعی از ۴۶۵۷ - اصلی واقع در بخش ۶ تهران
۳- علت گم شدن: جابجایی

۴- خلاصه وضعیت مالکیت: سند مالکیت شش‌دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۶۵ متر مربع به پلاک شماره ۵۰ فرعی از ۴۶۵۷ - اصلی مفروز از ۱ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۶ تهران، ذیل ثبت ۱۶۲۸۶ صفحه ۲۷۳ دفتر املاک ۱۵۶ بشماره چاپی ۴۹۹۲۳۶ بنام آقای علی محمد تیموری فر ثبت و صادر گردیده است. سپس شش‌دانگ بموجب سند قطعی شماره ۲۱۵۱۱ دفترخانه شماره ۱۵۰ تهران به قربانعلی پای منتقل گردیده، سپس شش‌دانگ بموجب سند قطعی شماره ۲۶۷۶۹ دفترخانه شماره ۱۵۰ تهران به سید اصغر حقیقت پژوه تبریزی منتقل گردیده که نامبرده نیز شش‌دانگ را برابر سند قطعی شماره ۲۵۹۶ مورخ ۲/۰۶/۴۲ دفترخانه



پشت درهای بسته

تیم‌های مذاکره‌کننده ایران و آمریکا به ریاست محمدباقر قالیباف و جی‌دی ونس، اولین نشست رسمی خود را پس از امضای سند تفاهم دو کشور، با حفظ محرمانگی برگزار کردند

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



نشست چهارجانبه هیأت‌های ایران، آمریکا، قطر و پاکستان با عنوان «نشست دریاچه لوسرن» عصر یکشنبه ۳۱ خردادماه در منطقه برگن‌اشتوک سوئیس برگزار شد؛ نشستی که اگرچه در ظاهر با هدف پیگیری روند آتش‌بس و گفت‌وگوهای سیاسی میان تهران و واشنگتن تشکیل شده اما در عمل یکی از مهم‌ترین محورهای آن تعیین تکلیف دارایی‌های بلوکه شده ایران و چگونگی آزادسازی این منابع مالی است. ریاست هیأت ایرانی را محمدباقر قالیباف برعهده دارد و جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، ریاست هیأت آمریکایی را عهده‌دار است. شهپاز شریف نخست‌وزیر پاکستان، عاصم

منیر فرمانده ارتش این کشور و شیخ محمد بن عبدالرحمن آل‌ثانی نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر نیز به‌عنوان مباحثی و تسهیل‌گر در این مذاکرات حضور دارند. هیأت‌های مذاکره‌کننده ایران و آمریکا از ساعت ۱۷ به وقت تهران، گفت‌وگوهای خود پشت درهای بسته بدون حضور خبرنگاران برگزار کردند. محمد باقر قالیباف رئیس تیم هیأت مذاکره‌کننده در واکنش به ادعای رییس‌جمهور آمریکا در حساب کاربری خود در شبکه ایکس‌نوست: با خودشان فکر نمی‌کنند که اگر تهدیدهایشان نتیجه‌ای داشت، به استیصال امروز نمی‌رسیدند؟ ما تهدیدهای آمریکایی‌ها را به جایی حساب نمی‌کنیم.

وی افزود: بهتر است مراقب اظهارنظرهای خود باشند، نیروهای مسلح ما آماده‌اند تا به نحوی دیگر پاسخشان را بدهند. هر چه حرف بزنند، این مایم که عمل می‌کنیم. اظهارات قالیباف در واکنش به تهدیدات ترامپ بود که گفت تفاهم اخیر میان دو کشور صرفاً تمدید آتش‌بس است و توافق نهایی محسوب نمی‌شود. ترامپ همچنین تهدید کرد در صورت عدم موفقیت مذاکرات تنگه هرمز را با استفاده از زور تصرف خواهد کرد.

از جنگ ۴۰ روزه تا میز مذاکره

مذاکرات برگن‌اشتوک در شرایطی برگزار می‌شود که ایران و آمریکا تنها چند ماه پیش یک جنگ ۴۰ روزه را پشت سر گذاشتند؛ جنگی که از ۹ اسفند ۱۴۰۴ آغاز شد و سرانجام در ۱۹ فروردین ۱۴۰۵ با برقراری آتش‌بس پایان یافت. گسترش دامنه درگیری‌ها به سراسر منطقه، تهدید منافع آمریکا در کشورهای عربی، حملات موشکی به اسرائیل و بسته شدن تنگه هرمز موجب شد، هزینه‌های ادامه جنگ برای واشنگتن و تل‌آویو به شکل قابل‌توجهی افزایش یابد. همین مسئله زمینه را برای حرکت دو طرف به سمت مذاکرات سیاسی فراهم کرد.

محور اصلی گفت‌وگوها

در میان تمامی موضوعات مطرح شده، مسئله دارایی‌های بلوکه‌شده ایران، مهم‌ترین دست‌وکار مذاکرات محسوب

می‌شود. تهران در ماه‌های اخیر بارها تأکید کرده که بهره‌مندی از مزایای اقتصادی تفاهم و دسترسی به منابع مالی مسدودشده، شرط اساسی ادامه مسیر توافق است. در همین حال مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور گفت: نخستین دستاورد این گفت‌وگوها آن است که دوباره می‌توانیم به منابع خود دسترسی پیدا کنیم و درباره نحوه استفاده از آنها تصمیم بگیریم. منابع می‌تواند در اختیار بانک، سرمایه‌گذار، تولید و بخش‌هایی قرار گیرد که باید در آنها رشد ایجاد شود. رئیس‌جمهور خاطر نشان کرد: در همین مدت کوتاه توانستیم، بخشی از اعتبارات و منابع خود را بازگردانیم و اقدامات متعددی انجام دهیم. در همین چارچوب طرح صندوق ۳۰۰ میلیارد دلاری که کشورهای عربی نیز در آن نقش دارند به یکی از موضوعات کلیدی مذاکرات تبدیل شده است. براساس گزارش وال‌استریت ژورنال، آمریکا و قطر روی طرحی مشترک کار می‌کنند که بر مبنای آن بخشی



از منابع مالی مسدودشده ایران برای مصارف بشردوستانه آزاد شود. این طرح که هنوز به مرحله نهایی نرسیده امکان بهره‌برداری از بخشی از حدود ۱۰۰ میلیارد دلار دارایی نقدی مسدودشده ایران را فراهم می‌کند و قرار است از محل ۶ میلیارد دلار موجود در قطر آغاز شود. طبق این برنامه، بانک مرکزی ایران می‌تواند از این منابع برای خرید مواد غذایی، دارو و سایر کالاهای ضروری استفاده کند. در عین حال استفاده از این منابع تحت نظارت بین‌المللی انجام خواهد شد تا اطمینان حاصل شود که وجوه صرفاً در چارچوب تعیین‌شده، هزینه می‌شوند.

وضعیت دارایی‌های بلوکه شده

براساس گزارش‌های منتشر شده، بخش قابل‌توجهی از دارایی‌های مسدودشده ایران مربوط به درآمدهای حاصل از فروش نفت به کشورهایی مانند چین، هند، کره‌جنوبی و ژاپن است. این منابع عمدتاً پس از خروج دولت ترامپ از برجام در سال ۲۰۱۸ و بازگشت تحریم‌های آمریکا مسدود شدند. در حالی که مقام‌های ایرانی رقم این دارایی‌ها را دست‌کم ۱۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌کنند، برخی کارشناسان ارقام پایین‌تری را مطرح می‌کنند. با این حال آنچه در اولویت فعلی تهران قرار دارد، آزادسازی مرحله‌ای حدود ۲۴ میلیارد دلار از این منابع است. وال‌استریت ژورنال گزارش داده که حدود ۷ میلیارد دلار از این دارایی‌ها در هند و قطر قرار دارد و در کشورهایی

مانند ژاپن، لوکزامبورگ، عمان و حتی ایالات متحده نیز حدود ۸ میلیارد دلار منابع مالی مسدودشده، وجود دارد.

شرط غرب

با وجود تمامی این مباحث، دسترسی ایران به ده‌ها میلیارد دلار باقی‌مانده همچنان با شروطی همراه است. مهم‌ترین شرط مطرح شده، کاهش راستی‌آزمایی شده ذخایر اورانیوم با غنای بالا و نظارت آزادساز بین‌المللی انرژی اتمی بر این روند است. براساس پیش‌نویس موجود، آزادساز موظف خواهد بود که فرآیند کاهش ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی ایران را تحت نظارت قرار دهد و هم‌زمان با تأیید این اقدامات، محدودیت‌های مالی نیز به‌صورت تدریجی لغو شوند. اگرچه این موضوع یکی از ارکان اصلی تفاهم محسوب می‌شود اما نشانه‌های موجود حاکی از آن است که در مذاکرات برگن‌اشتوک، تمرکز بیشتری بر سازوکار آزادسازی منابع مالی و نحوه اجرای تعهدات اقتصادی وجود داشته است.

مخالفت‌های اسرائیل

در حالی که آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده، می‌تواند منابع قابل‌توجهی را برای بازسازی زیرساخت‌ها و جبران خسارت‌های ناشی از جنگ در اختیار ایران قرار دهد، اسرائیل با این روند مخالف است. مقام‌های اسرائیلی معتقدند آزادسازی منابع مالی ایران می‌تواند به افزایش نفوذ منطقه‌ای تهران و تقویت گروه‌های همسو با آن منجر شود. این درحالی است که واشنگتن از این اقدام به‌عنوان بخشی از مسیر دستیابی به توافق نهایی و تثبیت آتش‌بس دفاع می‌کند.

گام اعتمادساز

آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده اکنون به مهم‌ترین آزمون اعتمادسازی میان تهران و واشنگتن تبدیل شده است. ایران بارها تأکید کرده که بهره‌مندی واقعی از مزایای اقتصادی تفاهم، شرط ادامه مسیر مذاکرات و حرکت به سمت توافق نهایی خواهد بود. در مقابل، آمریکا نیز اجرای تعهدات گسترده‌تر را پیشرفت روند اعتمادسازی و اجرای تعهدات هسته‌ای، گره زده است.

نتیجه‌گیری

نشست برگن‌اشتوک را می‌توان بیش از آنکه صرفاً یک دور جدید مذاکرات سیاسی دانست، نقطه‌ای تعیین‌کننده در پرونده دارایی‌های بلوکه‌شده ایران ارزیابی کرد. اگرچه هنوز اختلافات مهمی میان دو طرف وجود دارد و آزادسازی کامل منابع مالی به تحقق مجموعه‌ای از شروط و تعهدات وابسته است اما آغاز روند دسترسی ایران به بخشی از این دارایی‌ها می‌تواند، نخستین دستاورد ملموس تفاهم اخیر باشد. موفقیت یا شکست این روند نه تنها بر آینده روابط تهران و واشنگتن بلکه بر سرنوشت توافق نهایی، بازسازی اقتصادی ایران و میزان پایداری آتش‌بس نیز تأثیر مستقیم خواهد گذاشت.

اروپا

در آستانه استعفا

استارمر هم رفتنی شد؟



گروه بین‌الملل: گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌های بریتانیایی از تشدید بحران سیاسی در دولت کی‌یر استارمر حکایت دارد؛ بحرانی که اکنون به گمانه‌زنی‌های گسترده درباره کناره‌گیری قریب‌الوقوع نخست‌وزیر بریتانیا منجر شده

است. برخی رسانه‌ها شامگاه شنبه گزارش دادند که استارمر ممکن است روز دوشنبه ضمن اعلام تصمیم خود برای استعفا، جدول زمانی مشخصی برای انتقال قدرت و خروج از مقام نخست‌وزیری ارائه کند. این گزارش‌ها درحالی منتشر می‌شود که به گفته منابع نزدیک به نخست‌وزیر، حمایت او در میان نمایندگان حزب کارگر و اعضای پارلمان به شکل قابل‌توجهی کاهش یافته است. روزنامه تلگراف به نقل از متحدان استارمر نوشت که او در حال آماده شدن برای کناره‌گیری از قدرت است و فشارهای سیاسی در هفته‌های اخیر به سطحی رسیده که ادامه حضورش در رأس دولت را با تردیدهای جدی روبه‌رو کرده است. یک مقام ارشد دولت بریتانیا نیز در گفت‌وگو با رسانه‌ها اظهار کرد که استارمر تحت فشارهای فزاینده به این نتیجه رسیده که «بازی تمام شده است» و اکنون بیش از هر چیز به این می‌اندیشد که چگونه بتواند، میراث سیاسی خود را حفظ و تقویت کند. به گفته این مقام، پیروزی آندی برنهام، شهردار پیشین منچستر و از چهره‌های بانفوذ حزب کارگر در انتخابات میان‌دوره‌ای و ورود او به مجلس عوام، معادلات قدرت در حزب را دگرگون کرده است.

برنهام که سال‌ها یکی از رقبای جدی استارمر در حزب کارگر محسوب می‌شد اکنون با حضور در پارلمان قادر خواهد بود به‌طور رسمی رهبری حزب را به چالش بکشد. بسیاری از ناظران سیاسی معتقدند، محبوبیت او در میان نمایندگان و بدنه حزب، جایگاهش را به‌عنوان محتمل‌ترین جانشین نخست‌وزیر تثبیت کرده است. منابع سیاسی از تحرکات گسترده در میان اعضای کابینه و نمایندگان حزب کارگر خبر می‌دهند؛ تحولاتی که گفته می‌شود، استارمر را به بازنگری در تصمیم قبلی خود برای باقی ماندن در قدرت واداشته است.

روزنامه آسزورر گزارش داده که استارمر پیش از اتخاذ هرگونه تصمیم نهایی، روز شنبه در اقامتگاه ییلاقی چکرز درباره آینده سیاسی خود با همسرش گفت‌وگو کرده است. با این حال اعضای ارشد حزب کارگر انتظار دارند که نخست‌وزیر در روزهای آینده، موضعی روشن درباره آینده رهبری خود اتخاذ کند و به ابهام‌های موجود پایان دهد. در مقابل، برخی مقام‌های دولتی تأکید دارند که هنوز نباید استعفا استارمر را قطعی دانست. آنها به اظهارات روز جمعه نخست‌وزیر اشاره می‌کنند که در آن اعلام کرده بود با هرگونه تلاش برای به چالش کشیدن رهبری‌اش مقابله خواهد کرد. استارمر همچنین از اعضای حزب کارگر خواسته بود از گرفتن شدن در اختلافات داخلی و روندی که می‌تواند به فروپاشی انسجام حزب منجر شود، پرهیز کنند. بحران کنونی برای استارمر در حالی شکل گرفته که او تنها دو سال پیش توانست، حزب کارگر را به پیروزی قاطع در انتخابات سراسری ۲۰۲۴ برساند و پس از سال‌ها حاکمیت محافظه‌کاران، قدرت را در دست گیرد. با این حال مجموعه‌ای از رسوایی‌های سیاسی، عقب‌نشینی از برخی وعده‌های انتخاباتی و نارضایتی عمومی از عملکرد دولت باعث شد، محبوبیت او به سرعت کاهش یابد. بسیاری از رأی‌دهندگان اکنون معتقدند، دولت کارگر نتوانسته به وعده‌های خود برای بهبود سطح زندگی و حل مشکلات اقتصادی عمل کند.

استعفا احتمالی استارمر می‌تواند، فصل تازه‌ای در بی‌ثباتی سیاسی بریتانیا رقم بزند. در صورت کناره‌گیری او، این کشور طی اندکی بیش از یک دهه شاهد هفتمین نخست‌وزیر خود خواهد بود؛ آماري که در نزدیک به دو قرن گذشته بی‌سابقه توصیف شده است. تحلیلگران این وضعیت را نشانه‌ای از نارضایتی گسترده افکار عمومی نسبت به عملکرد دولت‌های متوالی در حل مشکلاتی همچون بحران خدمات عمومی، رکود اقتصادی و مهاجرت غیرقانونی می‌دانند. فشارها بر استارمر تنها به درون حزب محدود نیست. گزارش رویترز نشان می‌دهد بیش از ۱۰۰ نماینده حزب کارگر معادل حدود یک‌چهارم فراکسیون این حزب در مجلس عوام به‌صورت علنی خواستار استعفا او یا اعلام زمان‌بندی مشخص برای کناره‌گیری شده‌اند. در همین حال برنهام با برخورداری از حمایت گسترده در حزب، گزینه اصلی جانشینی محسوب می‌شود و برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که نزدیک به ۳۰۰ نماینده از او حمایت می‌کنند. هرچند او تاکنون چالش رسمی علیه استارمر را آغاز نکرده اما وعده داده مسیر تازه‌ای برای کشور ترسیم کند؛ وعده‌ای که از نگاه بسیاری می‌تواند، آغازگر رقابت بر سر رهبری حزب کارگر و دولت بریتانیا باشد.

آگهی فقدان سند مالکیت المثنی پلاک ثبتی ۴۶۵۷/۴۷ واقع در بخش ۶ تهران

که مرادعلی بابائی شش‌دانگ مورد ثبت را بموجب سند قطعی شماره ۱۵۴۷۲ مورخ ۰۹/۰۸/۴۹۱۰ دفتر ۲۷۹ تهران به انوشیروان عباسی خادم‌لوا انتقال داده است که انوشیروان مزبور نیز سه دانگ را طی سند قطعی ۱۹۴۲۵ مورخ ۰۲/۰۳/۵۱۰ دفتر ۲۷۹ تهران به اسماعیل مولائی منتقل که نامبرده اخیر سه دانگ سهمی خود را برابر سند قطعی شماره ۲۳۸۱۷ مورخ ۰۷/۰۸/۵۲۰ دفتر مذکور به بانو آسوده صحبتی زردآلو منتقل نموده که مالکین مزبور جمعا شش‌دانگ را برابر سند قطعی شماره ۱۷۶۱۵ مورخ ۰۷/۰۷/۵۲۰ دفترخانه ۱۵۶ تهران به بانک رفاه کارگران انتقال داده اند. محدودیت: ندارد.

لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق‌الذکر و درخواست صدور سند مالکیت المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده و یا مدعی وجود آن نزد خود می باشد باید ظرف ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و چنانچه ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت اسناد و املاک، المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. نشانی اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک: تهران، خیابان شیخ هادی، نرسیده به خیابان جمهوری اسلامی، نبش کوچه رجب بیگی، پلاک ۳۶۶، اداره ثبت اسناد و املاک مولوی تهران. رئیس حوزه ثبت ملک مولوی تهران -الیاس صهبا ۱۱۹۶۱ م الف شناسه آگهی ۲۲۱۰۲۲۰

آقای فیروز غفوری به نمایندگی از طرف بانک رفاه کارگران بموجب نامه شماره ۰۵/۱۵۹۸۲۶/۰۱/۴۰ مورخ ۰۲/۱۶/۱۴۰۵، با اعلام مفقود شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استمهاده‌به گواهی امضاء شده ذیل شماره ۲۳۲ دفترخانه ۱۷۵۱ تهران طی درخواست ورده شماره ۳۱۲۲ مورخ ۰۲/۲۰/۱۴۰۵ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت ملک مذکور را نموده که مراتب در اجرای

این نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می‌گردد:
۱- نام و نام خانوادگی: بانک رفاه کارگران
۲- شماره پلاک ثبتی: ۴۷ فرعی از ۴۶۵۷ - اصلی واقع در بخش ۶ تهران
۳- علت گم شدن: جابجایی
۴- خلاصه وضعیت مالکیت: سند مالکیت شش‌دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۹۳/۱۶ متر مربع به پلاک شماره ۴۷ فرعی از ۴۶۵۷ - اصلی مفروز از ۱ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۶ تهران، ذیل ثبت ۱۷۸۸۷ صفحه ۴۶۱ دفتر املاک ۱۵۱ بشماره چاپی ۴۳۳۲۳۳ بنام آقای قنبر علی احمدی ثبت و صادر گردیده است. سپس شش‌دانگ بموجب سند قطعی شماره ۱۸۵۴۱ مورخ ۰۳/۰۲/۳۷۰ دفترخانه شماره ۱ تهران به چوپان فتحی پور لیلانجق منتقل گردیده، سپس سه دانگ بموجب سند قطعی شماره ۶۱۰۳۶ مورخ ۰۳/۰۷/۴۵۰ دفترخانه شماره ۲۷۹ تهران به مراد علی بابائی منتقل گردیده که ذیل ثبت ۱۷۸۸۷ صفحه ۴۵۷ دفتر فرعی با چاپی ۱۷۴۱۴ بنام وی ثبت و صادر گردیده است. سپس سه دانگ از طرف چوپان فتحی پور برابر سند قطعی شماره ۷۳۷۵ مورخ ۰۹/۱۲/۴۹ دفترخانه ۴۱ تهران به مرادعلی بابائی واگذار گردیده

معارف

محرم به روایت تصاویر و اسناد

دو نمایشگاه ویژه محرم در کتابخانه ملی

نمایشگاه «محرم به روایت تصاویر و اسناد آرشبو ملی ایران» هم‌زمان با فرارسیدن ماه محرم ۱۴۰۵ در ساختمان آرشبو ملی ایران آغاز به کار کرد.

به گزارش روابط‌عمومی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، این نمایشگاه با ارائه منتخبی از تصاویر و اسناد موجود در گنجینه آرشبو ملی ایران، بخش‌هایی از تاریخ اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آیین‌های سوگواری محرم را از دوره قاجار تا سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی روایت می‌کند.

بخش تصویری نمایشگاه ۱۱ قطعه عکس تاریخی از مراسم عزاداری و تعزیه‌خوانی در دوره قاجار را دربر می‌گیرد. تصاویری از دسته‌های عزاداری روز عاشورا در بازار تهران، برگزاری تعزیه‌خوانی در تکیه گمرک تهران، حضور مردم در تکیه کامران‌میرزا در کامرانیه، مداحان و تعزیه‌خوانان دوره قاجار و معین‌الباک در کنار شبیه‌خوان‌ها و تعزیه‌خوانان تکیه دولت، در این بخش به نمایش درآمده است. تصویر برگزاری مراسم تعزیه‌خوانی در تکیه دولت دارالخلافت تهران در سال ۱۳۱۲ قمری، برابر با ۱۲۷۳ خورشیدی، از دیگر آثار ارائه‌شده در این مجموعه است و بخشی از جایگاه تکایا و تعزیه در حیات اجتماعی و فرهنگی تهران دوره قاجار را بازنمایی می‌کند.

بخش اسناد نمایشگاه ۲۸ عنوان سند، شامل رقنامه‌ها، اعلامیه‌ها، گزارش‌ها، مکاتبات اداری، بخش نامه‌ها، مصوبات و دستورالعمل‌های مرتبط با آیین‌های محرم را شامل می‌شود. این اسناد موضوعاتی چون تأمین هزینه‌های عزاداری، برگزاری مجالس سوگواری، فعالیت دسته‌های عزاداری، تعزیه‌خوانی و نحوه مواجهه نهادهای اداری و انتظامی با مراسم محرم را بازتاب می‌دهد. وقفنامه مولود خانم، دختر آقا مهدی فیوزنی، به تاریخ ۲۴ آذر ۱۳۰۰، یکی از اسناد این نمایشگاه است. واقف در این سند، پنج نهر آب و بخشی از زمین‌های قنات و مزرعه دهنسب در روستای فیوزن را برای تأمین هزینه‌های تعزیه‌داری حضرت سیدالشهدا(ع) در حسینییه همان روستا وقف کرده است.

گزارش تلگرافی حکومت اراک به تهران درباره پایان مراسم تعزیه‌داری دهه محرم در سال ۱۲۹۹ گزارش برگزاری مراسم سوگواری حسینی در رشت در سال ۱۳۰۱ و اعلان کفیل نظمی بنادر جنوب در سال ۱۳۰۶ درباره حفظ انتظامات و جلوگیری از اختلافات محلی در ایام محرم، از دیگر اسناد عرضه‌شده در نمایشگاه به‌شمار می‌رود. مصوبه هیأت‌وزیران در سال ۱۳۱۳ درباره اختصاص اعتبار به کنسولگری‌های ایران در عتبات عالیات برای پرداخت هزینه‌های عزاداری نیز بخشی از مناسبات نهادهای دولتی با آیین‌های محرم را نشان می‌دهد. در مقابل، گزارشی درباره جلوگیری از تشکیل مجالس روضه‌خوانی و دستگیری تعزیه‌خوانان و نوحه‌سرایان در سال ۱۳۱۶ محدودیت‌های اعمال‌شده بر مراسم مذهبی در آن دوره را بازتاب می‌دهد. بخش‌نامه محرمانه سال ۱۳۱۱ برای مراقبت از سخنان اهل منبر و ممانعت از خروج موضوع سخن آنان از ذکر مصیبت، مکاتبات مربوط به نحوه برخورد با فعالیت روضه‌خوان‌ها و دستورهای صادرشده درباره دسته‌ها و اجتماعات عزاداری، از دیگر اسنادی است که نحوه نظارت اداری و انتظامی بر مراسم محرم را در دوره‌های مختلف نشان می‌دهد.

اعلامیه امام خمینی(ره) خطاب به وعاظ، گویندگان دینی و هیأت‌های مذهبی در اردیبهشت ۱۳۴۲ پیام ایشان به ملت ایران به مناسبت فرارسیدن ماه محرم در اول آذر ۱۳۵۷ و رونوشت اعلامیه استادان و فضایی حوزه علمیه قم در پی راهپیمایی‌های تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷ نیز در بخش اسناد تاریخ انقلاب اسلامی ارائه شده است.

نمایشگاه «محرم به روایت تصاویر و اسناد آرشبو ملی ایران» با ارائه شواهد تصویری و مکتوب، افزون بر معرفی شیوه‌ها و سنت‌های عزاداری، تحول مناسبات میان جامعه، نهادهای مذهبی و ساختارهای حکومتی را در دوره‌های مختلف تاریخی بازخوانی می‌کند. این نمایشگاه از ۳۰ خرداد تا ۶ تیرماه ۱۴۰۵ به مدت یک هفته در ساختمان آرشبو ملی ایران برپاست و پژوهش‌گران و علاقه‌مندان می‌توانند همه روزه از ساعت ۸ تا ۱۴ از آن بازدید کنند.

نسخه‌های خطی با موضوع امام حسین و کربلا

هم‌چنین نمایشگاه نسخه‌های خطی با موضوع (امام حسین(ع) و واقعه کربلا) از سوی دفتر کتاب‌های خطی و نادر در گنجینه نسخ خطی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران آغاز به کار کرد و تا سه‌شنبه ۹ تیرماه ۱۴۰۵ ادامه دارد. این نمایشگاه با هدف معرفی بخشی از میراث مکتوب مرتبط با فرهنگ عاشورا، تاریخ واقعه کربلا و جایگاه امام حسین(ع) تدارک دیده شده است و بخشی از بازتاب این موضوع را در نسخه‌های خطی موجود در گنجینه سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران پیش روی علاقه‌مندان قرار می‌دهد. در میان آثار به نمایش درآمده در این نمایشگاه، نسخه خطی «روضه‌الشهدا» اثر ملاحسین کاشفی دیده می‌شود؛ اثری فارسی که در سال ۹۶۶ق. در کشمیر به دست محمدبن‌زین‌الدین کتابت شده و با خط نستعلیق خوش، کاغذ دولت‌آبادی، سرلوحه مذهب و تزیینات زر، شگرف، لاجورد و سبز آراسته شده است.



بازگشت یک استعاره

توماس مان در **کوه جادو** راوی جدالی میان روشنگری و توتالیتراریسم است

کوهستان، این زمان فرو می‌ریزد. هفته‌ها کش می‌آیند، ماه‌ها ناپدید می‌شوند و سال‌ها چنان آرام می‌گذرند که گویی هرگز وجود نداشته‌اند. مان این تجربه را در یکی از تأملات مشهور رمان چنین توصیف می‌کند: «زمان وقتی یک‌ناوخت می‌شود، ناپدید می‌شود». این جمله ساده در واقع کلید فهم فضای رمان است. در برگوف، زندگی آن‌قدر تکراری است که اندازه‌گیری دما، استراحت، وعده‌های غذایی، قدم‌زدن‌های کوتاه و... که مرز میان روزها محو می‌شود. همین یک‌ناوختی باعث می‌شود زمان از حالت مکانیکی خود خارج شود و به تجربه‌ای ذهنی و سیال بدل شود. در این ارتفاع، انسان به‌تدریج حس می‌کند از تاریخ جدا شده است. اما آن‌چه در نگاه اول یک تجربه زمانی به نظر می‌رسد، در واقع تمثیلی برای وضعیت تمدن اروپایی است. اروپا در آستانه جنگ جهانی اول نیز دقیقاً در چنین وضعیتی قرار داشت: معلق میان پیشرفت و انحطاط، میان اعتماد به عقل روشنگری و وسوسه تاریک نیهیلیسم. مان با قرار دادن شخصیت‌هایش در یک آسایشگاه ایزوله، این تعلیق تاریخی را به شکل فشرده و آزمایشگاهی بازسازی می‌کند. آسایشگاه برگوف به‌تدریج به چیزی شبیه یک صومعه سکولار تبدیل می‌شود؛ جایی که بیماری نه صرفاً یک نقص جسمانی، بلکه نوعی ارتقای روحی تلقی می‌شود. در این جهان وارونه، بیمار بودن نوعی شأن است. بیماران خود را از مردم «پایین‌دست» متمایز می‌دانند؛ گویی

در ارتفاعات، به طبقه‌های برتر دیده تعلق دارند. به همین دلیل است که کاستورپ نیز به‌تدریج وسوسه می‌شود در این جهان بماند. بیماری، در اینجا، شکل عجیبی از جذابیت پیدا می‌کند. مان در جایی می‌نویسد: «بیماری انسان را عمیق‌تر می‌کند». این جمله در ظاهر نوعی تأمل شاعرانه است، اما در بافت رمان معنایی بسیار تاریک‌تر دارد. زیرا همین ایده -این‌که بیماری می‌تواند به‌نوعی عمق یا اصالت روحی منجر شود- بعدها در ایدئولوژی‌های رادیکال اروپایی نیز پژواک پیدا می‌کند. مان با دقت نشان می‌دهد چگونه جذابیت زوال می‌تواند به یک نیروی فرهنگی بدل شود. با این حال، مهم‌ترین درام رمان نه در بدن‌ها، بلکه در ایده‌ها رخ می‌دهد. «کوه جادو» در واقع صحنه یکی از مشهورترین دوتل‌های فکری در ادبیات قرن بیستم است: جدال میان لودویکو ستمبرینی و لئو نافتا. این دو شخصیت، بیش از آن‌که افراد باشند، تجسم دو سنت فکری بزرگ اروپا هستند. ستمبرینی مدافع سرسخت روشنگری است؛



گاهی یک رمان بیش از آنکه داستان باشد، دستگاهی برای اندازه‌گیری زمان می‌شود. «کوه جادو» توماس مان از همین جنس آثار است؛ رمانی



آراکو محمودی

نویسنده و مترجم

که ظاهر او دربارهٔ اقامت یک مهندس جوان در آسایشگاهی کوهستانی است، اما در عمق خود آزمایشگاهی برای مطالعه تمدنی است که درست در آستانه انفجار ایستاده است. اگر بخواهیم با زبان پزشکی خود رمان بزیم، مان در این اثر نه فقط سل ریه، بلکه سل روح اروپا را تشخیص می‌دهد؛ بیماری‌ای که در آن تب، رخوت، وسوسه مرگ و نوعی بی‌تصمیمی فلج‌کننده درهم می‌آمیزند. داستان از حادثه‌های ظاهراً بی‌اهمیت آغاز می‌شود. در سال ۱۹۱۲، توماس مان برای ملاقات با همسرش کاتیا، که برای درمان سل در آسایشگاهی در داووس بستری بود، سفری کوتاه به کوهستان می‌کند. اقامتی که قرار بود سه هفته طول بکشد، به تجربه‌ای بدل می‌شود که ذهن نویسنده را بیش از یک دهه درگیر می‌کند. حاصل آن، رمانی است که در ۱۹۲۴ منتشر شد؛ اثری که امروز نیز هم‌چنان به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین و دقیق‌ترین کالبدشکافی‌های ادبی تمدن اروپایی خوانده می‌شود.

تمثلی از اروپای در آستانه جنگ جهانی اول

در مرکز معماری عظیم فکری توماس مان، شخصیتی قرار دارد که شاید عمداً فاقد هرگونه درخشش قهرمانانه است؛ هانس کاستورپ، مهندسی جوان، نسبتاً ساده‌دل، با حساسیتی که می‌توان آن را «معمولی به شکلی نه‌جامی» نامید. او به آسایشگاه برگوف می‌رود تا فقط سه هفته پسرعمو بیمارش را ملاقات کند. اما این سفر کوتاه به صعودی بدل می‌شود که در نهایت او را در ارتفاعات مه‌آلود یک جهان کاملاً دیگر گرفتار می‌کند. همان‌جا که مان با ظرافتی شگفت‌آور نشان می‌دهد چگونه محیط می‌تواند نه‌فقط بدن، بلکه ادراک زمان، اخلاق و حتی معنای زندگی را تغییر دهد. در برگوف، مهم‌ترین عنصر داستان نه بیماری، بلکه زمان است. مان، در این رمان یکی از رادیکال‌ترین تجربه‌های ادبی دربارهٔ زمان را رقم می‌زند. زمان در دست، همان زمان آشنای زندگی بورژوازی است: خطی، منظم، قابل اندازه‌گیری با ساعت و تقویم. اما در

گزارش: نمایش خانگی

علیه تاسیان

درباره سریال تاریخی جدید نمایش خانگی ساخته محمدحسین مهدویان

صدور بیانیه‌های روشنفکرانه‌اند. سکانس‌هایی مثل باز شدن در حمام در حضور «سایه» یا نگاه‌های جلال هنگام تعویض لباس او، بیش از آنکه کارکرد روایی داشته باشند، مصنوعی و تحمیلی جلوه می‌کنند؛ گویی صرفاً برای ویرال‌شدن طراحی شده‌اند. داستان با یک فلش‌بک آغاز می‌شود: جلال (با بازی هادی حجازی‌فر)، مأمور امنیتی‌ای با اسم سازمانی «داریوش»، در زمان حال پرونده سوژه‌ای ناپدیدشده را بررسی می‌کند. کل سریال در واقع روایتی از گذشته است که قرار است به این نقطه برسد. به‌تدریج مشخص می‌شود جلال با یکی از سوژه‌های مأموریتش، یعنی «سایه»، وارد رابطه‌ای عاشقانه شده؛ رابطه‌ای که قرار است زیر فشار اختلافات فکری و سیاسی دو طرف فروپاشد.

شروعی نه‌چندان درخشان

در بخش بازنگری، «کلاغ» آغازی قابل قبول دارد، گرچه بدون نقطه‌واچ است. هادی حجازی‌فر در نقشی آشنا، یعنی مأمور امنیتی، ظاهر شده است؛ هرچند انگار گرم سنگین او بخشی از توان بازی‌اش را پنهان کرده و مانع نزدیک‌شدن کامل او به شمایل یک مأمور حکومتی شده است. نریشن‌های طولانی و

سریال «کلاغ» به کارگردانی محمدحسین مهدویان، از چهارشنبه ۱۳ خرداد با تبلیغات گسترده در پلتفرم فیلمو روی آنتن رفت؛ این‌بار با برجسی به به‌وضوح برای جلب اعتماد مخاطب طراحی شده؛ «ساخته عوامل زخم‌کاری». اما همین انتخاب تبلیغاتی، نخستین پرسش جدی در پیش می‌کشد: «زخم‌کاری» به‌جز فصل ابتدایی‌اش، چه دستاوردی داشت که اکنون نامش روی روزه مانور داده می‌شود؟ بسیاری از مخاطبان به‌خوبی افت کیفی آن مجموعه، در ادامه مسیرش را به‌یاد دارد و همین حافظه جمعی، اعتبار این برجس تبلیغاتی را زیر سوال می‌برد. «کلاغ» مخاطب را به زمستان ۱۳۵۴ و سال‌های پیش از انقلاب می‌برد؛ روایتی خاکستری از مأموری امنیتی که در دل مأموریتش گرفتار عشقی ممنوعه می‌شود. پرسش اصلی این است که آیا اثر می‌تواند از زیر سایه سنگین تبلیغات و کارنامه پرحاشیه کارگردانش بیرون بیاید، یا بار دیگر در دام سیاست‌زدگی و کلیشه‌های آشنا گرفتار خواهد ماند؟ بررسی سه قسمت نخست، نشان می‌دهد «کلاغ»، با وجود تکیه بر یک رمان موفق ترکیه‌ای به نام مه و شب و فضاسازی فنی قابل قبول، در جلب نظر مخاطبی که از سیاست و بازاریابی زرد خسته شده، با چالشی جدی روبه‌روست. به‌نظر می‌رسد سازندگان «کلاغ» ترکیبی ناهمگون از اتمسفر «زخم‌کاری» و درام‌های امنیتی-عاشقانه‌ای مانند «تاسیان» را هدف گرفته‌اند؛ جایی که داستان حول محور عشق مثالی می‌چرخد. پاشنه آشیل این پروژه نیز همان دو عاملی است که از ابتدا قابل‌پیش‌بینی بود؛ سیاست‌زدگی محتوا و چهره جنجالی کارگردان در فضای رسانه‌ای.

خستگی سیاسی مخاطب

در یک دهه گذشته، جامعه ایران دستخوش نوعی خستگی مفراط از مسائل سیاسی شده است. حتی اگر سازندگان موفق شوند در بستر سیاسی داستان، روایت عاشقانه‌ای جذاب ارائه دهند، همین پس‌زمینه ممکن است مخاطب دل‌زده را پس بزند و مانع شکل‌گیری ارتباط او با شخصیت‌ها شود. از سوی دیگر، محمدحسین مهدویان در سال‌های اخیر، به‌ویژه در حاشیه جشنواره اخیر فیلم فجر، به یکی از پرسرودت‌ترین کارگردانان سینمای ایران بدل شده و این چهره رسانه‌ای پرتلاطم، بی‌تردید بر نحوه استقبال از آثارش سایه می‌افکند.

روشنگر‌نمایی به‌جای روایت

یکی از آزاردهنده‌ترین ویژگی‌های قسمت نخست، تلاش آشکار سریال برای القای نوعی روشنگر‌نمایی است. به‌جای آنکه صحنه در خدمت پیشبرد طبیعی روایت قرار بگیرند، مدام در پی





ویژه جام جهانی ۲۰۲۶

قدرت‌نمایی ژاپن

آلمان به مرحله حذفی رسید، هلند و ژاپن در آستانه صعود به یک‌شانزدهم نهایی

جام جهانی ۲۰۲۶ در دهمین روز خود، بازی‌های جذاب و پرهیجانی را پشت سر گذاشت که به علاقه‌مندان به فوتبال نوید داد که همچنان خبرهای جالبی در این جام در راهند و یکی پس از دیگری از راه می‌رسند. در مهم‌ترین اتفاقات روز دهم، کوراسائو با کسب یک نتیجه تاریخی مقابل اکوادور نام خود را بر سر زبان‌ها انداخت و ژاپن نیز با پیروزی قاطع برابر تونس، به رویای این تیم افریقایی برای ادامه حضور در مسابقات پایان داد.

مهم‌ترین اتفاقات روز

گروه‌های ای و اف در کانون توجهات قرار داشتند. هلند روز را با پیروزی پرگل ۵ بریک مقابل سوئد آغاز کرد و خود را در موقعیت بسیار مناسبی برای صعود قرار داد. سوئدی‌ها که به نخستین تیم تاریخ جام جهانی تبدیل شدند که پس از پیروزی ۵ بریک در بازی اول، مسابقه بعدی خود را نیز با همین نتیجه اما این بار در نقش بازنده واگذار می‌کنند، حالا برای صعود به نتیجه‌ای مثبت برابر ژاپن در دیدار پایانی نیاز دارند. رونالد کومان با قرار دادن برایان بروبی در ترکیب اصلی، ریسک کرد و این مهاجم نیز با دو گل در نیمه نخست پاسخ اعتماد سرمربی‌اش را داد. ژاپن نیز روز را با چهار امتیاز به پایان رساند. سامورایی‌ها با پیروزی ۴ بر صفر مقابل تونس، امیدهای این تیم برای صعود را از بین بردند. اروه زنار که برای نجات تونس به این تیم بازگشته بود، توانست روند نزولی تیمش را متوقف کند و تونس پس از تنها دو مسابقه از رقابت‌ها کنار رفت. این بهترین شب تاریخ ژاپن در جام جهانی بود؛ آنها در هزارمین مسابقه تاریخ جام جهانی بیش از هر زمان دیگری در یک بازی گلزنی کردند. در دیگر دیدارهای روز، آلمان برای شکست ساحل عاج به درخشش دینز اونداف نیاز داشت. مهاجم تعویضی آلمان با دو گل، از جمله گل پیروزی‌بخش در وقت‌های تلف شده، زمینه برتری ۲ بریک تیمش را فراهم کرد و صعود ژرمن‌ها به مرحله یک‌شانزدهم نهایی را قطعی ساخت. ساحل عاج که در نیمه نخست با گل فرانک کسیه پیش افتاده بود، نمایش بسیار خوبی مقابل قهرمان جهان در سال ۲۰۱۴ ارائه کرد اما در نهایت دست خالی ماند. اما در کانزاس سیتی، کوراسائو خراب‌ساز شد. این تیم با تساوی بدون گل برابر اکوادور، نخستین امتیاز تاریخ خود را در جام جهانی به دست آورد. جالب اینکه شاخص امید گل اکوادور ۲٫۳۴ بود و آمار کاملاً به سود آمریکای جنوبی‌ها ثبت شد. با این حال، کوراسائو مقاومت کرد و حالا برای صعود باید در دیدار پایانی ساحل عاج را شکست دهد؛ مأموریتی دشوار اما همچنان ممکن.

بازیکن روز

برای نخستین بار در این جام جهانی، انتخاب بازیکن روز با تساوی همراه شد؛ میان کودی گاکپو بازیکن هلند و الوی روم دروازه‌بان کوراسائو. با این وجود، برخی الوی را شایسته‌تر می‌دانستند. دروازه‌بان کوراسائو که در سطح باشگاهی برای میامی آفسی (و نه اینتر میامی) بازی می‌کند، نمایشی فراموش‌نشدنی برابر اکوادور ارائه داد. روم در طول ۹۰ دقیقه ۱۵ مهار موفق داشت؛ آماری که یک رکورد جدید در تاریخ جام جهانی محسوب می‌شود. او همچنین ۲٫۲۷ گل مورد انتظار را خنثی کرد و چهار موقعیت بسیار خطرناک را مهار کرد در مهاجمان اکوادور راهی برای گلزنی پیدا نکنند. اما تیم ملی آلمان هم یک ستاره تازه را به فوتبال جهان معرفی کرده است. او دنیس اونداف یک کرد-ایزدی مهاجر است که توانسته به تیم ملی آلمان برسد و با دو گل که در برابر ساحل عاج به‌ثمر رساند، این تیم را به سه امتیاز و مرحله یک‌شانزدهم رساند. او که لقبش گراز وحشی فوتبال آلمان است، پس از ورودش در دقیقه ۶۰، جریان بازی را به‌طور کامل عوض کرد. ابتدا گل تساوی را به‌ثمر رساند و سپس در وقت‌های تلف شده با یک کنترل فوق‌العاده و ضربه‌ای قدرتمند از میان مدافعان، دروازه بچی فوفانا را باز کرد تا پیروزی ۲ بریک آلمان رقم بخورد. اونداف که تنها چند سال پیش در دسته سوم فوتبال آلمان بازی می‌کرد، اکنون به ستاره اصلی مناشافت در جام جهانی ۲۰۲۶ تبدیل شده است. سه گل و دو پاس گل در دو حضور تعویضی، آماری فوق‌العاده است و اگر روند فعلی ادامه پیدا کند، «گراز وحشی» می‌تواند به یکی از چهره‌های ماندگار این جام جهانی تبدیل شود.

گل روز

زیباترین گل روز در دیدار ژاپن و تونس به‌ثمر رسید. آیساه اونداف، ستاره ژاپن که در مرحله مقدماتی ۸ گل در ۹ مسابقه به‌ثمر رسانده بود و در بازی نخست مقابل هلند موفق به گلزنی نشده بود، این بار در موتتری درخشید. او در صحنه گل، پس از یک حرکت انفرادی و نفوذ به محوطه جریمه، از پشت محوطه با ضربه‌ای دقیق توپ را به گوشه دروازه فرستاد؛ گلی تماشایی که یکی از زیباترین صحنه‌های روز را رقم زد. ژاپن اکنون از نظر تفاضل گل با هلند برابر است.

شبکه‌های اجتماعی

پس از آنکه ووزینیا، دروازه‌بان کیپورد، به‌خاطر تساوی تیمش برابر اسپانیا به شهرتی ناگهانی در شبکه‌های اجتماعی رسید، حالا الوی روم دروازه‌بان کوراسائو نیز به ستاره جدید فضای مجازی تبدیل شده است. تعداد دنبال‌کنندگان او در اینستاگرام که پیش از مسابقه حدود ۶۰ هزار نفر بود، پس از نمایش خیره‌کننده مقابل اکوادور به نزدیک یک میلیون نفر رسید؛ اتفاقی که بار دیگر نشان می‌دهد، جام جهانی چگونه می‌تواند در عرض یک شب بازکنانی کمتر شناخته‌شده را به چهره‌های جهانی تبدیل کند.



می‌کند. ستمبرینی با همه آرمان‌گرایی‌اش گاهی مضحک و پرگو به نظر می‌رسد؛ ناftا با همه هوشش به مرزهای خطرناک تعصب نزدیک می‌شود. مان با این توازن دقیق نشان می‌دهد که بحران اروپا را نمی‌توان با یک پاسخ ساده حل کرد. خواندن «کوه جادو» امروز، بیش از هر زمان دیگری حس آشنایی عجیبی ایجاد می‌کند. زیرا ما نیز در جهانی زندگی می‌کنیم که به طرز خطرناکی شبیه همان ارتفاعات مه‌آلود است. وعده‌های پیشرفت لیبرال دیگر آن اطمینان سابق را ندارند، اما جایگزین‌های تیره و رادیکال نیز جذابیت اغواگر خود را از دست نداده‌اند. در چنین شرایطی، انسان مدرن دوباره با همان احساس فلج‌شدگی رویه‌رو می‌شود؛ دانستن اینکه باید تصمیم گرفت، اما ندانستن اینکه کدام تصمیم واقعاً نجات‌بخش است. شاید به همین دلیل است که رمان مان هنوز چنین قدرتی دارد. او نسخه درمانی ارائه نمی‌دهد. «کوه جادو» رمانی نیست که در پایان راه‌حلی عرضه کند. بلکه بیشتر شبیه دستگامی است که وضعیت ما را با دقتی سرد ثبت می‌کند. توماس مان هم‌چون یک رادیولوژیست عمل می‌کند؛ استخوان‌های تمدن را در نور قرار می‌دهد و از ما می‌خواهد خودمان به تصویر نگاه کنیم. در چنین اثری، ترجمه نقشی حیاتی پیدا می‌کند. نثر مان مشهور است به پیچیدگی نحوی، طنز سرد، و ریتمی که میان تأمل فلسفی و روایت داستانی در نوسان است. انتقال چنین لحنی به زبان دیگر کار آسانی نیست. ترجمه حسن نکوروح از «کوه جادو» از این نظر اهمیت ویژه‌ای دارد. او نه تنها متن را از زبان آلمانی ترجمه کرده، بلکه با پیشینه پژوهشی‌اش در آثار مان، توانسته به لایه‌های فکری و لحن خاص نویسنده نیز وفادار بماند. در بسیاری از بخش‌ها، ترجمه نکوروح موفق می‌شود همان حس سرد و دقیق نثر مان را منتقل کند؛ لحنی که گویی از پشت شیشه‌های یک آزمایشگاه پزشکی روایت می‌شود. این دقت به خواننده فارسی‌زبان اجازه می‌دهد نه فقط داستان، بلکه معماری اندیشه‌مان را نیز تجربه کند. در نهایت، «کوه جادو» را شاید بتوان رمانی درباره ارتفاع دانست؛ ارتفاع جغرافیایی، ارتفاع فکری، و ارتفاع خطرناک فاصله گرفتن از زندگی عادی. زیرا هرچه شخصیت‌ها بیشتر در برگوف می‌مانند، بازگشت به جهان واقعی برایشان دشوارتر می‌شود. ارتفاع، هم‌زمان جذاب و فلج‌کننده است. و شاید بزرگ‌ترین هشدار رمان همین باشد. تمدن‌ها نیز گاهی در ارتفاعات گرفتار می‌شوند؛ جایی که هواریق است، زمان کش می‌آید، و انسان‌ها چنان در اندیشه‌ها و رؤیاهای خود غرق می‌شوند که صدای نزدیک شدن طوفان را نمی‌شنوند. وقتی در صفحات پایانی رمان، سایه جنگ جهانی اول بر داستان می‌افتد، خواننده ناگهان می‌فهمد که همه آن بحث‌ها و بیماری‌ها و تأملات در واقع مقدمه‌ای برای فاجعه بوده‌اند. مه کوهستان کنار می‌رود و تاریخ با خشونت وارد صحنه می‌شود. به همین دلیل است که «کوه جادو» هنوز چنین اثری تکان‌دهنده باقی مانده است. زیرا مان نشان می‌دهد چگونه یک تمدن می‌تواند سال‌ها در مه تأملات خود سرگردان بماند؛ درست تا لحظه‌ای که تاریخ، بی‌آنکه هشدار دهد، از دل همان مه سر برآورد. باید اضافه کنم توماس مان از این آسایشگاه به‌عنوان استعاره‌ای برای وضعیت اروپا پیش از جنگ استفاده می‌کند؛ فضایی بسته و تعلیق‌آمیز که در آن ایده‌ها، ایدئولوژی‌ها و بحران‌های فکری قاره در حال شکل‌گیری و برخورد با یکدیگرند. آسایشگاهی که مان الهام خود را از آن گرفته بود، امروزه به هتلی تبدیل شده که مهمانان و شرکت‌کنندگان مجمع جهانی اقتصاد در شهر داووس در نزدیکی آن اقامت می‌کنند.

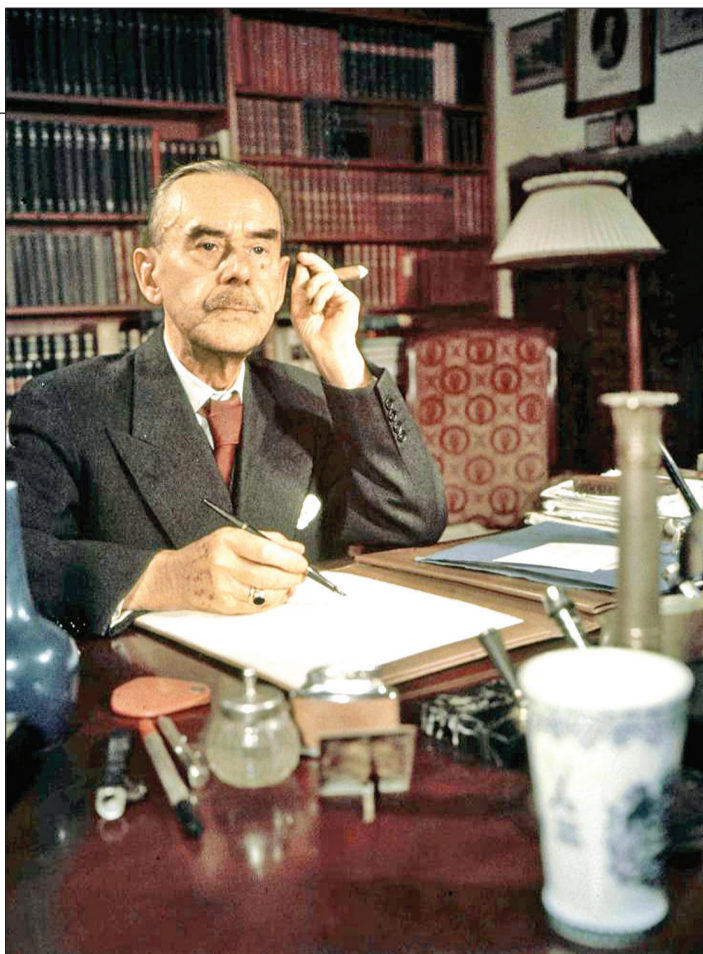
اشتباهات فاحش تاریخی

گاف‌های تاریخی سریال حتی تماشایی‌تر از ضعف موسیقایی آن است. در سکانس آغازین، قایب از آلمان‌های دوران پهلوی - اسکناس، سیگار، کبریت آبادانا، نوار کاست - چیده شده تا بستر زمانی داستان به‌درستی معرفی شود. اما در میانه قسمت، ترانه معروف «چی بگم، کی بگم» با صدای هایدی پخش می‌شود، آن هم در حالی که پدر بزرگ شخصیت داستان با آن همخوانی می‌کند؛ این ترانه اما در سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۲ میلادی)، در آلبوم «روزهای روشن» و دو سال پس از درگذشت خواننده برای نخستین بار منتشر شده است. نمونه مشابه دیگری نیز در قسمت دوم دیده می‌شود. ترانه «عشق تو نمی‌میرد» از عارف، با تنظیم واروژان، در سال ۱۳۵۰ منتشر شده و با بستر زمانی سریال همخوانی دارد، اما نسخه‌ای که در خانه ابراهیم شنیده می‌شود، تنظیمی متعلق به عبدی یمنی در سال ۱۳۷۲ است. با وجود انبوه ترانه‌های مناسب و متعلق به دوران پیش از انقلاب، استفاده از این نسخه‌های متأخر، نشانه‌ای روشن از بی‌دقتی در تحقیق تاریخی پروژه به‌خصوص در بخش موسیقی است.

نمونه دیگری از این بی‌دقتی روایی، آنجایی است که قصایبان متوجه رابطه پنهانی دامادش با «سایه» شده، در تعقیب اوست و در لحظات پایانی قسمت، با لحنی تهدیدآمیز قسم می‌خورد که برای حفظ آبروی دخترش حتی حاضر است «آدم بکشد و سر ببرد». این دیالوگ خشن، خود نوعی اسپویل از یک مرگ شوم در آینده داستان به‌شمار می‌رود؛ هشدار که قصایبان در هر ایزود، با تلنگرهای پیاپی بر خیانتکار بودن جلال و عاقبت شوم‌اش، تکرار می‌کند.

اقتباسی با پایانی از پیش روشن

«کلاغ» اقتباسی از رمان معروف «سبب و گنج» (به‌معنای «مه و شب») اثر احمد اومیت، نویسنده برجسته جنایی‌نویس ترکیه است؛ و همین پیوند، مسیر آینده سریال را تا حد زیادی قابل‌پیش‌بینی می‌کند. عشق در این روایت در فضایی آرام، سرد و خاکستری - شبیه به آثار آمیتی شوپروی - جریان خواهد داشت؛ هیچ‌چیز و حتی تراژدی داستان در بستری سیاه و بی‌روح پیش می‌رود و «سایه» در راستای عقاید سیاسی خود، رویاروی «داربوش» (جلال) قرار خواهد گرفت؛ در رمان، شخصیت اصلی، «صدات» (معادل جلال در سریال)، با دختری به‌نام «مین» (معادل سایه) وارد رابطه‌ای پنهانی می‌شود. این دختر جوان به‌طرز مرموزی ناپدید می‌شود و وقتی صدات در پی او می‌گردد، درمی‌یابد که مینه با گروه‌های خرابکار در ارتباط بوده؛ جست‌وجویی که سرانجام به یافتن جسد او ختم می‌شود. با تطبیق رمان و سریال، می‌توان با اطمینان نسبی پیش‌بینی کرد که «سایه»، که به‌سرعت از داستان غایب شده، سرانجام کشته خواهد شد. بر اساس سرنخ‌های دیالوگی قسمت نخست، به نظر می‌رسد قاتل او کسی غیر از محسن قصایبان (پدرزن جلال) نباشد؛ چه به دلیل غیرت پدری و واکنش به خیانت دامادش، و چه از آن‌رو که سایه عضو همان گروه‌های خرابکاری است که قصایبان مأمور دستگیری‌شان است. در نهایت «کلاغ» نه شاهکاری بی‌نقص است و نه اثری کاملاً سطحی و غیرقابل‌تماشا. این سریال احتمالاً در حد یک سرگرمی روزمره باقی خواهد ماند؛ نه بیشتر و نه کمتر. ترکیب اقتباس از یک منبع ادبی معتبر با اجرائی که در گاف‌های تاریخی، موسیقی ناهمخوان و دیالوگ‌نویسی شعارگونه گرفتار شده، نشان می‌دهد که فاصله میان پتانسیل اولیه پروژه و آنچه روی پرده دیده می‌شود، زیاد است.



عقل، پیشرفت، آزادی فردی و خوش‌بینی به تمدن. او با شور و خطابه‌های طولانی از پروژه انسان‌گرایی دفاع می‌کند و کاستورپ را تشویق می‌کند به دشت بازگردد، به زندگی فعال، به مسئولیت تاریخی. در برابر او ناftا قرار دارد؛ یسوعی رادیکالی که آمیزه‌ای عجیب از الهیات، نیهیلیسم و انقلاب‌گرایی است. ناftا تمدن لیبرال را پوچ و فاسد می‌داند و آینده را متعلق به نظام‌های اقتدارگرا می‌بیند.

در واقع، مان در این دو شخصیت آینده اروپا را پیش‌بینی می‌کند. ستمبرینی نماینده سنت لیبرال قرن نوزدهم است؛ ناftا سایه‌ای از ایدئولوژی‌های توتالیتر قرن بیستم. و در میان این دو، هانس کاستورپ ایستاده است؛ انسانی که نه کاملاً قهرمان است و نه کاملاً ساده‌لوح. او بیشتر شبیه خود اروپاست؛ مرددی، کنجکاو، و در نهایت ناتوان از تصمیم‌گیری. همین «بی‌تصمیمی» است که به یکی از تم‌های مرکزی رمان بدل می‌شود. کاستورپ به هر دو طرف گوش می‌دهد، از هر دو تأثیر می‌پذیرد، اما هیچ‌گاه به تصمیم قطعی نمی‌رسد. این وضعیت، چیزی بیش از یک ویژگی شخصیتی است؛ تمثیلی است از تمدنی که میان دو آینده متضاد معلق مانده است. طنز ظریف مان نیز دقیقاً از همین جا نشأت می‌گیرد. او نه کاملاً با ستمبرینی همدل است و نه با ناftا. بلکه هر دو را با فاصله‌ای کتابه‌آمیز مشاهده

کش‌داری که برایش نوشته شدند تبدیل به نقاط ضعف بازی او در این مجموعه شده‌اند. محسن قصایبان در نقش پدرزن جلال و مقام بالادستی او در ساواک، حضور پررنگ دارد؛ در برخی صحنه‌ها مقتدر و مسلط است و در بعضی سکانس‌ها بازی‌اش به اغراق نزدیک می‌شود. پیب همیشگی این شخصیت نیز ارجاعی مستقیم و آشنای به امیرعباس هویدا را به ذهن متبادر می‌کند. به‌نظر می‌رسد مهدویان در «کلاغ» در پی ترسیم جهانی متفاوت با «تاسیان» است؛ هرچه تاسیان شاد بود، اینجا با جهانی تاریک، بسته و خفقان‌آور رویه‌رو هستیم که از منظر بصری نیز با غلبه رنگ‌های سرد و خاکستری بازتاب یافته است. این رویکرد در فضاسازی تا حدی موفق عمل می‌کند، اما کش‌دار بودن موقعیت‌ها و دیالوگ‌های تکراری، شعارگونه و پیش‌افتاده، ضربه‌ای جدی به ریتم سریال وارد کرده است؛ شیوه‌ای از دیالوگ‌نویسی که هر قسمت را به تریبونی برای بیان مواضع ایدئولوژیک بدل می‌کند. نکته دیگری که در میان مخاطبان واکنش برانگیز شده، اصرار مهدویان بر اشاره به علاقه‌اش به تیم استقلال و کنایه به رقیب سنتی این تیم است. در حالی که نوکیبکان انتقادات سریال متوجه حکومت پهلوی و ساواک است، نمایش شعار «تاج قهرمان» - تیمی متعلق به درباریان - روی دیوار، با جهان‌بینی ایدئولوژیک سازنده در تناقض قرار می‌گیرد؛ تناقضی که پیش‌تر نمونه مشابه‌اش در ایزود هفتم فصل «زخم‌کاری» انتقام» نیز دیده شده بود و با اعتراض هواداران پرسپولیس همراه شد. «کلاغ» با ژانر امنیتی، اقتباس از یک رمان قوی و آلمان‌های فنی استاندارد آغاز می‌شود، اما ترکیب جامعه انبساط‌شده از سیاست، چهره جنجالی کارگردان و سکانس‌های اجباری برای ویرال شدن، مسیر پیش‌روی این سریال را بسیار لغزنده کرده است. حتی اگر سازندگان بتوانند از بیانیه‌های سیاسی فاصله بگیرند و بر هسته اصلی داستان یعنی عشق، معما و خیانت در بستری امنیتی تمرکز کنند، به‌نظر می‌رسد پتانسیل چندانی برای جذب گسترده مخاطب باقی نمی‌ماند و این اثر احتمالاً به سرنوشت بسیاری از سریال‌های امنیتی - سیاسی اخیر دچار خواهد شد که به‌سرعت از خاطر‌ها محو می‌شوند.





دیدگاه: یادداشت اجتماعی

طبقه متوسط فقیر شده

بحران مسکن طبقه متوسط را به حاشیه رانده است



محمد محمدی

پژوهشگر اجتماعی

شاید برای خیلی از ما، روایت زندگی نه با سال‌های تقویم که با نام کوچمه‌ها و محله‌ها ورق می‌خورد. در شلوغی این شهر بی‌در و پیکر، خانه فقط چهاردیواری و سقف نیست؛ خانه همان جایی است که زندگی روزمره در آن شکل می‌گیرد، خاطرها در آن رسوب می‌کنند و بخشی از هویت ما در آن جان می‌گیرد. بسیاری از افراد وقتی می‌خواهند از خودشان بگویند به محله‌ای اشاره می‌کنند که در آن زیسته‌اند؛ جایی که در آن شناخته می‌شدند و شبکه‌ای از روابط انسانی پیرامونشان شکل گرفته بود. به همین دلیل وقتی خانواده‌های دیگر توان ماندن در خانه‌ای متناسب با جایگاه خود را ندارند یا ناچار به کوچ اجباری می‌شوند، مسئله فقط یک جابه‌جایی مکانی نیست بلکه نوعی گسست در زیست‌جهان فرد رخ می‌دهد. با هر عقب‌نشینی جغرافیایی، بخشی از سرمایه نمادین و منزلت اکتسابی افراد نیز فرو می‌ریزد. بحران مسکن در ایران معاصر پیش از آنکه صرفاً یک چالش معیشتی باشد، عرصه فرسایش تدریجی طبقه متوسط فقیر شده است؛ فرآیندی که در آن افراد با از دست دادن «مکان» خود، بخشی از پیوندشان با پایگاه اجتماعی و شبکه روابط هویت‌بخش را نیز از دست می‌دهند. مفهوم طبقه متوسط فقیر شده به معنای شکل‌گیری یک طبقه مستقل نیست بلکه به بخشی از طبقه متوسط اشاره دارد که در نتیجه تورم‌های مزمن و تحولات اقتصادی، بخشی از سرمایه اقتصادی خود را از دست داده است. این گروه همچنان بسیاری از ویژگی‌های فرهنگی و ذهنی طبقه متوسط را حفظ کرده اما دیگر توان اقتصادی لازم برای بازتولید همان سبک زندگی را ندارد. نتیجه این وضعیت نوعی موقعیت برزخی است؛ جایی که افراد از نظر هویتی خود را متعلق به طبقه متوسط می‌دانند اما امکانات مادی لازم برای تثبیت این موقعیت را در اختیار ندارند. در اینجا چارچوب نظری پیر بردی می‌تواند به فهم این وضعیت کمک کند. بردیو در کتاب «تماز» نشان می‌دهد که موقعیت اجتماعی افراد حاصل ترکیبی از سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. در بسیاری از خانواده‌های طبقه متوسط فقیر شده، سرمایه فرهنگی همچنان پابرجاست؛ تحصیلات دانشگاهی، مهارت‌های حرفه‌ای و انتظار از ثبات زندگی شهری وجود دارد اما کاهش سرمایه اقتصادی امکان بازتولید موقعیت اجتماعی پیشین را دشوار کرده است. حاصل این ناهمترزی، نوعی تعلیق منزلت است؛ وضعیتی که در آن عادت‌واره‌های طبقه متوسط پابرجا هستند اما شرایط اقتصادی دیگر با آنها سازگار نیست. این شکاف بیش از هر حوزه‌ای در عرصه مسکن قابل مشاهده است. پس از پایان جنگ ایران و عراق، دسترسی به مسکن به یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تثبیت موقعیت اجتماعی تبدیل شد. مسکن علاوه بر کارکرد مصرفی به دارایی پایداری بدل شد که امنیت اقتصادی خانواده را تضمین می‌کرد. اما افزایش سریع قیمت زمین و مسکن در دهه‌های بعد، همراه با تورم‌های پیاپی، فاصله میان توان اقتصادی خانوارها و بازار مسکن را به شدت افزایش داد. در نتیجه بسیاری از خانواده‌هایی که پیش‌تر در محله‌های تثبیت‌شده شهری زندگی می‌کردند به تدریج به مناطق ارزان‌تر یا شهرهای جدید منتقل شدند. این جابه‌جایی فضایی را می‌توان با مفهوم دتریتوریا لیزاسیون توضیح داد؛ مفهومی که ژیل دلوز و فلیکس گاتاری در کتاب «هزار فلات» مطرح کرده‌اند. در این چارچوب، قلمرو صرفاً یک محدوده جغرافیایی نیست بلکه مجموعه‌ای از روابط اجتماعی، نشانه‌های هویتی و حافظه جمعی است. هنگامی که افراد از چنین قلمروهایی جدا می‌شوند، پیوند آنان با شبکه‌های اجتماعی و نمادهای هویتی نیز دچار گسست می‌شود. بسیاری از محله‌های شهری در ایران چنین نقشی داشته‌اند؛ فضاهایی که در آن روابط همسایگی، شناخت متقابل و تجربه مشترک زندگی شهری شکل گرفته است. انتقال به شهرک‌ها و شهرهای جدید، که فاقد این پیشینه اجتماعی هستند، اغلب به معنای فاصله گرفتن از این قلمروهای اجتماعی استبرای فهم این وضعیت می‌توان شهر را شبکه‌ای از جریان‌های کار، آموزش، فرهنگ و ارتباطات دانست. هرچه افراد به کانون این جریان‌ها نزدیک‌تر باشند، دسترسی بیشتری به فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی خواهند داشت. اما بحران مسکن بسیاری از خانوارها را به مناطق دورتر و شهرهای جدید رانده و فاصله آنان را با این فرصت‌ها افزایش داده است. از این‌رو مسکن تنها یک مسئله اقتصادی نیست بلکه نمادی از فرسایش موقعیت و امنیت اجتماعی طبقه متوسط به‌شمار می‌رود.

پایان «پرو»!

سازمان بازرسی از توقف فروش اینترنت پرو خبر داد



فانزه مومنی

گروه اجتماعی

در پی بازگشایی اینترنت بین‌الملل با مصوبه ستاد راهبری و ساماندهی فضای مجازی، مقامات نظارتی و قضایی در ایران از توقف کامل طرح جنجالی «اینترنت پرو» و الزام اپراتورها به بازگرداندن مبالغ دریافتی از کاربران خبر داده‌اند. این سرویس طبقاتی که در دوران محدودیت‌های شدید ارتباطی به‌عنوان راهکاری موقت برای دسترسی مدیریت‌شده برخی صنوف معرفی شده بود به دلیل ایجاد بازار سیاه، تعرفه‌های نجومی و اتهام ایجاد «رانت و تبعیض» با مداخله قوه قضائیه به ایستگاه پایانی رسیده است. با اظهارات صریح رئیس سازمان بازرسی کل کشور و معاون وزیر ارتباطات، بلاتکلیفی کاربرانی که مبالغ سنگینی را جهت فعال‌سازی بسته‌های غالباً یک ساله پرداخت کرده بودند تا حدودی برطرف شده و فرآیند برچیده شدن این طرح رسماً کلید خورده است.

از ضرورت بحران تا شکل‌گیری بازار سیاه و رانت

پروژه «اینترنت پرو» پس از قطع گسترده اینترنت بین‌الملل در جریان جنگ تحمیلی سوم (جنگ رمضان) و به دلیل ملاحظات امنیتی با مصوبه شورای عالی امنیت ملی آغاز شد. هدف اولیه این طرح که از سوی طراحان آن «اینترنت پایدار کسب‌وکارها» نامیده می‌شد، جلوگیری از فلج شدن کامل اقتصاد دیجیتال و فراهم کردن امکان دسترسی فریلنسرها، شرکت‌های دانش‌بنیان، فعالان حوزه لجستیک و صادرکنندگان به سیستم‌های بین‌المللی بود. علاوه بر بخش تجاری، جامعه دانشگاهی و پژوهشگران برای دسترسی به پایگاه‌های علمی و خبرنگاران نیز مشمول این طرح بودند.

برخلاف بسته‌های معمولی، دسترسی به این سرویس نیازمند فرآیند پیچیده اداری و احراز هویت شغلی با تأیید نهادهایی چون اتاق بازرگانی و سازمان نظام صنفی رایانه‌ای بود و اپراتورهای اصلی (همراه اول، ایرانسل و رایتل) وظیفه پشتیبانی فنی و تضمین کیفیت آن را بر عهده داشتند. با این حال به اعتقاد کارشناسان، روند اجرای این طرح به سرعت به سمت ایجاد رانت گسترده و ناراضیاتی اجتماعی حرکت کرد. اپراتورها ارانه این سرویس را به افشار و صنوف مختلفی نظیر نظام پزشکی، نظام مهندسی، وکلا و مدیران تسری دادند.

در این میان، تعرفه تعیین‌شده برای اینترنت پرو تفاوت بسیار فاحشی با اینترنت عادی داشت؛ به طوری که در یک نمونه برای خرید یک بسته ۵۰ گیگابایتی مبلغ دو میلیون تومان دریافت می‌شد. با تداوم قطع اینترنت عمومی این شرایط به شکل‌گیری بازار سیاه دامن زد و قیمت فروش سیم‌کارت‌های پرو در بازار غیررسمی تا مرز ۷ و ۸ میلیون تومان نیز پیش رفت؛ وضعیتی که این سرویس را عملاً به یک «کالای لوکس» و مایه تبعیض میان شهروندان تبدیل کرد.

انحراف ساختاری؛ خلط خدمات اشتراکی با دسترسی عمومی

ابعاد مالی و اجتماعی این طرح به‌گونه‌ای پیش‌رفت که در نخستین نشست خبری ستار هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، انتقادات از نحوه اجرای آن به اوج خود رسید. خبرنگار روزنامه «سازندگی» در این نشست از وزیر پرسید چرا طرحی که



قرار بود، مانع خسارات اقتصادی کسب‌وکارها شود به بستری برای دسترسی ویژه و بازار سیاه تبدیل شده است.

سیدستار هاشمی در پاسخ تأکید کرد که وزارت ارتباطات پیشنهاددهنده این طرح نبوده و فلسفه اولیه آن کاملاً متفاوت از خروجی نهایی آن بوده است. وزیر ارتباطات با نقد مدل ساختاری این سرویس گفت: «مسئله اصلی این بود که تلاش شد، مدل BYC یعنی ارائه خدمت مستقیم به مصرف‌کننده نهایی، با مدل BYB، یعنی ارائه خدمت به کسب‌وکارها جایگزین شود؛ درحالی که این دو مدل، کارکردها و مخاطبان کاملاً متفاوتی دارند. بر همین اساس برداشتی شکل گرفت که شاید دیگر نیازی به ارتباط مستقیم با کاربران عمومی نیست و ارائه خدمات در قالب کسب‌وکاری کافی است؛ نگاهی که از اساس محل اشکال بود». به گفته آقای هاشمی، همین تغییر مسیر و انحرافات جدی در نحوه ارائه سرویس باعث شد تا قوه قضائیه به موضوع ورود کند و جلساتی برای بررسی این انحرافات برگزار شود.

ورود قوه قضائیه و دستور بازگشت مبالغ اضافی

به‌دنبال افزایش ناراضیاتی‌های عمومی، ریاست قوه قضائیه دستور ورود دادستانی کل کشور و سازمان بازرسی را صادر کرد. ذبیح‌الله خدائیان، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، در نشست خبری خود اعلام کرد که بررسی‌های این سازمان نشان می‌دهد، اپراتورها مبالغی بیش از تعرفه‌های تعیین‌شده از مردم دریافت کرده‌اند و هماهنگی‌های لازم را با سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی و وزارت ارتباطات به‌طور کامل انجام نداده‌اند. رئیس سازمان بازرسی کل کشور تصریح کرد: «سازمان بازرسی کل کشور تخلفات صورت‌گرفته از سوی اپراتورها را به مرجع قضایی ارجاع داد و درخواست شد از تکرار این اقدامات و طرح جلوگیری شود. همچنین مقرر شد، مبالغ اضافی دریافت شده از مردم به آنان بازگردانده شود».

همزمان با این دستور قضایی، حمید فلاحی، رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی (رگولاتوری) نیز در گفت‌وگو با سازندگی تأیید کرد که مصوبه اولیه اینترنت ویژه صرفاً برای مدیریت شرایط باید تدوین شده بود و اکنون با بازگشت شرایط به حالت عادی این طرح باید کاملاً متوقف شود. آقای فلاحی اعلام کرد که در راستای حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، اپراتورها موظف شده‌اند مبالغ اضافه دریافت شده را محاسبه کرده و به حساب کاربری کاربران عودت دهند. او تأکید کرد که هر گونه ارائه خدمات ویژه در آینده باید منحصراً در چارچوب قانون و تعرفه‌های رسمی سازمان انجام گیرد.

چالش اپراتورها با استاندارد و حوه

با وجود ابلاغ دستورات نظارتی، فرآیند بازپس‌گیری وجوه برای کاربران با چالش‌هایی همراه بوده است. در ابتدای گشایش اینترنت، اکثر کاربران در تماس با پشتیبانی اپراتورها خواستار دریافت وجه پرداختی و لغو سرویس خود شدند اما اپراتورها با این استدلال که اعتبار این بسته‌ها یک ساله است، مبالغ را غیرقابل بازگشت اعلام می‌کردند. موضع‌گیری مدیران شرکت‌های ارتباطی نیز نشان‌دهنده لزوم صدور ابلاغیه‌های صریح‌تر است؛ مهدی اخوان‌بهبادی، مدیرعامل همراه اول، درباره وضعیت این سرویس اعلام کرده که ارائه اینترنت پرو صرفاً با دستور مراجع ذی‌صلاح صورت گرفته و تداوم یا توقف آن نیز تماماً تابع ابلاغیه‌های بعدی همان مراجع است. او تأکید کرد که همراه اول صرفاً مجری ضوابط ابلاغی است و نمی‌توان پیش‌بینی کرد که این روند در آینده به چه شکلی پیش خواهد رفت.

آگهی فقدان سند مالکیت المثنی پلاک ثبتی ۴۶۵۷/۵۱ واقع در بخش ۶ تهران

۵۱/۰۳/۱۷ دفترخانه ۱۷۹ تهران به اکبر کهن منتقل و التهایه اکبر کهن شش‌دانگ ملک مذکور را برابر سند قطعی شماره ۲۹۸۳۹ مورخ ۵۳/۱۰/۱۸ دفترخانه ۲۰۰ تهران به بانک رفاه کارگران منتقل نموده است. محدودیت: ندارد.

لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور سند مالکیت المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده و یا مدعی وجود آن نزد خود می‌باشد باید ظرف ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و چنانچه ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت اسناد و املاک، المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

نشانی اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک: تهران، خیابان شیخ هادی، نرسیده به خیابان جمهوری اسلامی، نبش کوچه رجب بیگی، پلاک ۲۶۶، اداره ثبت اسناد و املاک مولوی تهران.

۱۱۹۶۳ م الف
رئیس حوزه ثبت ملک مولوی تهران - الباس صهبا
شناسه آگهی ۲۲۱۰۲۲۲

آقای فیروز غفوری به نمایندگی از طرف بانک رفاه کارگران بموجب نامه شماره ۶۰/۱۱۰۵/۱۵۹۹۴۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۶، با اعلام مفقود شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره ۲۲۶ دفترخانه ۱۷۵۱ تهران طی درخواست وارده شماره ۳۱۰۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۹ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت ملک مذکور را نموده که مراتب در اجرای آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می‌گردد:

۱- نام و نام خانوادگی: بانک رفاه کارگران
۲- شماره پلاک ثبتی: ۵۱ فرعی از ۴۶۵۷ - اصلی واقع در بخش ۶ تهران
۳- علت گم شدن: جابجایی

۴- خلاصه وضعیت مالکیت: سند مالکیت شش‌دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۵۷/۵۲ متر مربع به پلاک شماره ۵۱ فرعی از ۴۶۵۷ - اصلی مفروز از ۱ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۶ تهران، ذیل ثبت ۱۶۲۸۸ صفحه ۲۷۷ دفتر املاک ۱۵۶ بشماره چاپی ۴۹۹۲۳۷ بنام آقای علی محمد تیموری فر ثبت و صادر گردیده است. سپس شش‌دانگ بموجب سند قطعی شماره ۲۱۳۱۵ دفترخانه شماره ۱۵۰ تهران به میر قاسم کریمی احسن و برابر سند قطعی شماره ۲۱۳۳۲ دفترخانه ۱۵۰ تهران به علی محمد تیموری فر و برابر سند قطعی شماره ۲۱۴۸۴ دفترخانه ۱۵۰ تهران به معصومه ولی دخت و برابر سند قطعی شماره ۱۹۵۷۲ مورخ

آگهی فقدان سند مالکیت المثنی پلاک ثبتی ۴۶۵۷/۲۱ واقع در بخش ۶ تهران

سهمی خود را برابر سند قطعی ۷۱۴۴ مورخ ۴۶/۰۲/۲۶ دفتر ۲۷۹ تهران به کاظم کاظم منتقل که کاظم کاظم نیز سهمی خود را طی سند قطعی ۱۱۷۴۰ مورخ ۴۸/۰۲/۰۷ دفتر ۲۷۹ تهران به حس نوعی مقدم و عزت الله قنبری انتقال داده است. سپس عزت الله قنبری نیز ۱/۵ دانگ سهمی خود را بموجب سند قطعی ۱۵۹۲۲ مورخ ۴۹/۱۰/۱۵ دفتر ۲۷۹ تهران به حسن نوعی مقدم منتقل نموده است. التهایه حسن نوعی مقدم و محمد نوزاد مهربان شش‌دانگ را طی سند قطعی شماره ۱۷۵۶۴ مورخ ۵۳/۰۷/۱۰ دفترخانه ۱۵۶ تهران به بانک رفاه کارگران انتقال داده اند. محدودیت: ندارد.

لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور سند مالکیت المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده و یا مدعی وجود آن نزد خود می‌باشد باید ظرف ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و چنانچه ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت اسناد و املاک، المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

نشانی اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک: تهران، خیابان شیخ هادی، نرسیده به خیابان جمهوری اسلامی، نبش کوچه رجب بیگی، پلاک ۲۶۶، اداره ثبت اسناد و املاک مولوی تهران.

۱۱۹۶۸ م الف
رئیس حوزه ثبت ملک مولوی تهران - الباس صهبا
شناسه آگهی ۲۲۱۰۲۵۹

آقای فیروز غفوری به نمایندگی از طرف بانک رفاه کارگران بموجب نامه شماره ۶۰/۱۴۰۵/۱۵۹۸۶۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۶، با اعلام مفقود شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره ۲۴۹ دفترخانه ۱۷۵۱ تهران طی درخواست وارده شماره ۳۰۹۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۰ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت ملک مذکور را نموده که مراتب در اجرای آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می‌گردد:

۱- نام و نام خانوادگی: بانک رفاه کارگران
۲- شماره پلاک ثبتی: ۲۱ فرعی از ۴۶۵۷ - اصلی واقع در بخش ۶ تهران
۳- علت گم شدن: جابجایی

۴- خلاصه وضعیت مالکیت: سند مالکیت شش‌دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۲۱/۸۰ متر مربع به پلاک شماره ۲۱ فرعی از ۴۶۵۷ - اصلی مفروز از ۱ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۶ تهران، ذیل ثبت ۱۲۶۹۵ صفحه ۵۷۷ دفتر املاک ۱۱۸ بشماره چاپی ۲۷۲۹۵۴ بنام حاج مرتضی صنیعی ثبت و صادر گردیده است. سپس شش‌دانگ بموجب سند قطعی شماره ۳۴۴۱۴ مورخ ۳۴/۰۱/۲۲ دفترخانه شماره ۳۵ تهران به احمد بیابانی و مرتضی احمدی خیرام بالسویه منتقل، سپس سه دانگ احمد بیابانی برابر سند قطعی ۴۷۹۸۸ مورخ ۳۶/۰۲/۰۴ دفتر ۴۱ تهران به محمد و موسی و عیسی نوزاد مهربان و صمد اسعدی هر یک نسبت به سه ربع دانگ انتقال یافته و طبق سند قطعی ۱۷۶۰۶ مورخ ۵۰/۰۶/۲۹ دفتر ۲۷۹ تهران آقایان عیسی و موسی نوزاد مهربان و صمد اسعدی ۳ سهم از ۴ سهم سه دانگ ملکی خود را به محمد نوزاد مهربان انتقال داده اند. مرتضی احمد خیرام نیز سه دانگ



آگهی فقدان سند مالکیت المثنی پلاک ثبتی ۵۷۷/۴۷۳۰ واقع در بخش ۶ تهران

آقای فیروز غفوری به نمایندگی از طرف بانک رفاه کارگران بموجب نامه شماره ۶۰/۱۴۰۳/۴۷۱۷۰۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۰، با اعلام مفقود شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره ۱۳۱۹۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۹ دفترخانه ۹۰۸ تهران طی درخواست وارده شماره ۸۸۰۴ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۳۱ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت ملک مذکور را نموده که مراتب در اجرای آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد:

۱- نام و نام خانوادگی: بانک رفاه کارگران

۲- شماره پلاک ثبتی: ۵۷۷ فرعی از ۴۷۳۰ – اصلی واقع در بخش ۶ تهران

۳- علت گم شدن: جابجایی

۴- خلاصه وضعیت مالکیت: سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۹۰ متر مربع به پلاک شماره ۵۷۷ فرعی از ۴۷۳۰ – اصلی مفروز از ۷۰ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۶ تهران، ذیل ثبت ۱۴۳۴۸ صفحه ۴۷۱ دفتر املاک ۱۳۴ بشماره چاپی ۳۵۸۰۰۸ بنام مراد علی ارغون ثبت و صادر گردیده است. سپس ششدانگ بموجب سند قطعی شماره ۴۱۱۸۶ مورخ ۴۰/۰۵/۳۱ دفترخانه شماره ۶۶ تهران به طاهر ایوبی و برابر سند قطعی ۶۹۶۸۰ مورخ ۴۵/۱۱/۰۶ دفتر ۴۱ تهران به محمد مشکات و برابر سند

آگهی فقدان سند مالکیت المثنی پلاک ثبتی ۵۷۷/۴۷۳۰ واقع در بخش ۶ تهران

قطعی ۷۰۱۰۶ مورخ ۴۵/۰۷/۰۹ دفتر ۴۱ تهران به غلام محمد وند امینی آباد و بموجب سند صلح حقوق ۷۲۵۶۵ مورخ ۴۶/۰۷/۰۱ دفتر ۴۲ تهران به موسی فتحی منتقل و النهایه ششدانگ طی سند قطعی شماره ۹۴۴۹ مورخ ۵۲/۰۸/۱۴ دفترخانه ۱۴۷ تهران به بانک رفاه کارگران انتقال داده است. محدودیت: ندارد.

لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور سند مالکیت المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده و یا مدعی وجود آن نزد خود می باشد باید ظرف ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و چنانچه ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت اسناد و املاک، المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

نشانی اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک: تهران، خیابان شیخ هادی، نرسیده به خیابان جمهوری اسلامی، نبش کوچه رجب بیگی، پلاک ۳۶۶، اداره ثبت اسناد و املاک مولوی تهران.

رئیس حوزه ثبت ملک مولوی تهران –الیاس صهبا

۱۱۹۶۷ م الف

شناسه آگهی ۲۲۱۰۲۵۶

آگهی فقدان سند مالکیت المثنی پلاک ثبتی ۵۲/۴۶۵۷ واقع در بخش ۶ تهران

برابر سند قطعی شماره ۵۶۸۰ مورخ ۴۵/۰۴/۰۹ دفترخانه ۲۷۹ تهران به بانو ثریا راستگو واگذار گردیده است.النهایه ششدانگ برابر سند قطعی شماره ۳۰۰۹۴ مورخ ۵۳/۱۱/۱۱ دفترخانه ۲۰۰ تهران به بانک رفاه کارگران انتقال یافته است. محدودیت: ندارد.

لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور سند مالکیت المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده و یا مدعی وجود آن نزد خود می باشد باید ظرف ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و چنانچه ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت اسناد و املاک، المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

نشانی اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک: تهران، خیابان شیخ هادی، نرسیده به خیابان جمهوری اسلامی، نبش کوچه رجب بیگی، پلاک ۳۶۶، اداره ثبت اسناد و املاک مولوی تهران.

۱۱۹۶۴ م الف

رئیس حوزه ثبت ملک مولوی تهران –الیاس صهبا

شناسه آگهی ۲۲۱۰۲۲۵

آگهی فقدان سند مالکیت

۳۹۷۰۰۳۹۷۰۰۱۱۴۵۰۳۰۳۹۸۲ ثبت گردیده است.

نامبرده با ارائه دو برگ استشهاد شهود به شماره ۴۱۹۲۹ –۱۴۰۵/۳/۹ دفتر ۵۱۸ تهران اعلام نموده سند مالکیت ششدانگ به علت جابجائی مفقود گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده است لذا مراتب بااستناد تبصره یک اصلاحی مورخه ۷۲/۹/۲ ماده ۱۲۰ – آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم غیر از اسناد فوق و با وجود سند مالکیت مذکور نزد خود می باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد والا پس از انقضای مهلت مزبور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد

۱۱۹۷۵ م الف

رییس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سعادت آباد تهران –

سیدمهردادصفائی

شناسه آگهی ۲۲۱۰۳۰۵

آگهی فقدان سند مالکیت المثنی پلاک ثبتی ۳۵/۴۶۵۷ واقع در بخش ۶ تهران

منتقل و النهایه ششدانگ برابر سند قطعی شماره ۱۶۶۹۳ مورخ ۵۱/۰۳/۳۱ دفترخانه ۲۷۹ تهران به صفدر ملکی آقا باقر انتقال یافته است. محدودیت: ندارد.

لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور سند مالکیت المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده و یا مدعی وجود آن نزد خود می باشد باید ظرف ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و چنانچه ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت اسناد و املاک، المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

نشانی اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک: تهران، خیابان شیخ هادی، نرسیده به خیابان جمهوری اسلامی، نبش کوچه رجب بیگی، پلاک ۳۶۶، اداره ثبت اسناد و املاک مولوی تهران.

۱۱۹۶۵ م الف

رئیس حوزه ثبت ملک مولوی تهران –الیاس صهبا

شناسه آگهی ۲۲۱۰۲۴۴

آگهی فقدان سند مالکیت المثنی پلاک ثبتی ۵/۴۶۵۷ واقع در بخش ۶ تهران

دفترخانه شماره ۴۱ تهران به محمد حسین و محمد جعفری بالمناصفه انتقال یافته و برابر سند قطعی شماره ۱۱۱۱۲ مورخ ۴۳/۰۹/۲۴ دفترخانه شماره ۲۸۰ تهران به حاج اصغر احد پور و برابر سند قطعی شماره ۲۰۳۰ مورخ ۴۵/۱۲/۱۴ دفترخانه شماره ۲۸۰ تهران به قلیچ عبداللهی حاج محمود منتقل و النهایه ششدانگ برابر سند قطعی شماره ۱۷۳۵۶ مورخ ۵۳/۰۶/۱۷ دفترخانه ۱۵۶ تهران به بانک رفاه کارگران انتقال یافته است. محدودیت: ندارد.

لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور سند مالکیت المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده و یا مدعی وجود آن نزد خود می باشد باید ظرف ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و چنانچه ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت اسناد و املاک، المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. نشانی اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک: تهران، خیابان شیخ هادی، نرسیده به خیابان جمهوری اسلامی، نبش کوچه رجب بیگی، پلاک ۳۶۶، اداره ثبت اسناد و املاک مولوی تهران.

رئیس حوزه ثبت ملک مولوی تهران –الیاس صهبا

۱۱۹۶۶ م الف

شناسه آگهی ۲۲۱۰۲۵۲

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

نظر به اینکه برابر رأی شماره ۳۰۰۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۶ صادره از هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ناحیه یک اهواز تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی در قسمتی از پلاک ۱/۲ بخش ۴ اهواز که حکایت از احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی(موضوع سهمی علی خسروی) به متقاضی فاطمه حزباتی پور شماره شناسنامه ۶۴۲۵ کد ملی ۱۷۵۲۸۸۱۱۶۸ صادره از اهواز فرزند مطبوه نسبت به ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۷۷/۲۰ متر مربع در قسمتی از پلاک فوق خریداری شده طبق شرح صدر آگهی و انتقال ملک از مالک رسمی بنام وی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع محلی و کثیرالانتشار سراسری آگهی می گردد در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم نمایند . بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.ضمنا صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.شناسه: ۲۱۹۵۴۷۰ (تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۱۶) (تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱) رییس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک اهواز – بهزاد مردانی

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گیلان

حوزه ثبت ملک خمام

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اواراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۲۱۶۷۰۰۲۱۸۰۱۵۰۰۳۱۸۰۵۶۰۱۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خمام تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی پویا عاطفی کد ملی ۱۹۴۶۲۸۰۵۱۸۰ صادره از خمام فرزند یوسف در ششدانگ یک قطعه زمین محصور مشتمل بر انبار به مساحت ۳۱۴/۵۴ متر مربع پلاک ۵۷۲ فرعی از ۲۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۲۵ فرعی از ۲۹ اصلی واقع در خمام –روستای تیسیه بخش ۵ گیلان محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به طریقه قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . م الف ۲۲۲۰ – شناسه آگهی ۲۲۱۰۶۱۷ (تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱ (تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۱۶

سجاد عاشری

اداره ثبت اسناد و املاک خمام

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای محسن علی طیب اصالتا طی وارده ۰۰۴۰۵۱ مورخ ۱۴۰۵/۲/۲۱ با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی که گواهی امضای شهود آن طی شماره ترتیب ۲۶۲۱۵ و ۲۶۲۲۹ مورخ ۱۴۰۵/۲/۲۱ دفتر اسناد رسمی ۱۱۰ تهران ثبت گردیده است مدعی است که سند مالکیت یک قطعه آپارتمان به پلاک ثبتی ۸۷۳۹۷ فرعی از ۴۴۷۶ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۵۲۸۱۷ فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۲ در طبقه همکف و واقع در بخش ۰۷ تهران به مساحت ۷/۶ متر مربع بانضمام انباری قطعه ۷ به مساحت ۵/۶۷ متر مربع تحت مالکیت محسن علی طیب فرزند محمدعلی شماره شناسنامه ۹۲۶ تاریخ تولد ۱۳۴۱/۰۳/۲۳ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۵۲۳۹۷۳۵۱ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ بعنوان مالک شش دانگ عرصه اعیان با شماره مستند مالکیت ۲۶۲۳۷ تاریخ ۱۳۹۸/۰۲/۱۲ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۸۹۷ شهر تهران استان تهران، موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۸۹۵۴۷۴ سری ب سال ۹۷ با شماره دفتر الکترونیکی ۰۸۴۷۸۰۴۳۰۱۰۴۳۰۳۰۱۳۹۸۲ ثبت گردیده است. سپس طبق اعلام مالک در خانه مفقود گردیده است لذا مراتب بااستناد ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت و یا در اختیار داشتن سند مالکیت نزد خود می باشد ظرف مدت ۱۰ روز از انتشار این آگهی به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت اقدام نماید بدیهی است در این صورت پس از تنظیم صورت مجلس اصل سند مالکیت به ارائه کننده مسترد خواهد شد و صدور المثنی سند مالکیت منوط به ارائه دادنامه از مراجع ذیصلاح قضایی خواهد بود و پس از انقضاء مدت مذکور و عدم هرگونه اعتراض این منطقه نسبت به صدور المثنی سند مالکیت اقدام خواهد نمود.

۱۱۹۷۷ م الف

رئیس حوزه ثبت ملک

پیروزی تهران – مهدی نایب زاده

شناسه آگهی ۲۲۱۰۳۱۴

